هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند
حتما آنان رابه راه خویش هدایت

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

مجاهدین دیگر دنباله رو نخواهند بود
ص۲

کالبد شگافی بحران کنونی
ص۳

افغانستان در چنبرهٔ فقر
ص۳

دور هفتم - سال هفتم - شمارهٔ اول شنبه ٤ جوزا ١٣٨٧ - ١٢ رمضان المبارک ١٤٢٦ - October 04 , 2006



استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت در کنفرانس اعلام مواضع جمعیت در شرایط کنونی:

من با صراحت می خواهم اعلان کنم که از این به بعد مجاهدین دنباله رو نخواهند بود





▣ د دې خاورې ټول وګړي او ټول قومونه یو بل سره ورونه دي
▣ یک کاندیدی که وفاق ملی را تأمین کند مطرح می کنیم
▣ افغان ها می توانند دوستان خوبی باشند، اما به هیچ صورت مزدوران خوب نخواهند شد

به تاریخ دوم جوزا، مصادف با ۲۲ می سال روان، همایشی از سوی جمعیت اسلامی افغانستان در هوتل گلزاددرشهرکابل برگزار گردید ، دراین همایش. استاد برهان الدین ربانی رهبرجهادو مقاومت نیز پیرامون کارنامهٔ جمعیت، وضعیت کنونی وموضعگیری جمعیت در انتخابات آینده **ادامه در ص۷**

تجربه های ناکام اتحاد شوروی در افغانستان تکرار می شود
ص۲

توهین به قرآنکریم خشم مسلمانان را برانگیخت

به دنبال توهین به قرآن کریم در عراق، اعضای پارلمان افغانستان به روز چهارشنبه به رسم اعتراض جلسه را ترک کرده خواستار موقف گیری دولت ، مجازات عامل این حادثه و معذرت خواهی مقامات امریکایی مستقر در عراق، گردیدند.

مواردتوهین به مقدسات مسلمانان درعراق ، افغانستان، و برخی از کشورهای دیگر پدیده یی نو نبوده بلکه بارها تکرارشده است و در اغلب موارد این توهین ها منجر به تظاهرات واعتصابات درسراسر دنیا گردیده است.

درپیوند به همین مسأله باشندگان ولایت غور در غرب افغانستان، روزجمعه ۳ جوزا به تظاهرات گسترده یی دست زدند، گزارش های رسیده حاکی از آن است که مظاهره به خشونت کشانده شد و در پی آن چهارتن به شمول یک عسکر لیتوانیایی کشته شده وچندین تن دیگر مجروح شده اند.

سوریه و اسرائیل مذاکره کردند

اختلافات و دشمنی میان سوریه و اسرائیل یکی از پهلوهای مهم عمدهٔ دشمنی اسرائیل و جهان عرب و کشورهای اسلای است. منطقهٔ جولان که جزء خاک سوریه بود در جنگ شش روزه به اشغال اسرائیل درآمد و از آن زمان تا کنون این منطقه که اهمیت بزرگ استراتژیک داشته و شامل زمین های حاصلخیز و دارای منابع غنی آب می باشد، در تصرف اسرائیل قرار دارد.

ادامهٔ اشغال جولان مانع عمدهٔ عادی سازی روابط میان اسرائیل و سوریه بوده و این کشور همیشه به عنوان مخالف جدی برقراری روابط اعراب و اسرائیل، موضع گیری نموده است؛ اما تلاش های مستقیم و غیر مستقیم به منظور برقراری روابط میان



اسرائیل و سوریه، همیشه وجود داشته است و در مواردی اخبار مربوط به آن از طرف هر دو کشور رد شده و در حد یک شایعه باقی مانده است. در این اواخر گمانه زنی های وجود داشت که این دو کشور مشغول مذاکرات می باشند.

اکنون این گمانه زنی با اعتراف مقامات هردو کشور به حقیقت نزدیک شده است؛ دمشق و تل ابیب اعتراف نمودند که از یک سال بدینسو با وساطت ترکیه مذاکرات غیر مستقیم داشته اند.

ایهود المرت صدراعظم اسرائیل گفته است، کشورش آمادهٔ تنازلات به نفع سوریه جهت برقراری صلح می باشند. وی افزود مذاکرات دشوار و طولانی پیش روست، ما باید به تنازلات دردآوری تن بدهیم؛ اولمرت توضیحی در مورد این تنازلات ارائه نکرده است، اما حافظ اسد رئیس جمهور سوریه گفته است، اردوغان صدراعظم ترکیه به وی گفته است، اسرائیل آمادهٔ عقب نشینی از جولان می باشد.

ولیدالمعلم وزیر خارجهٔ سوریه آمادگی کشورش را جهت انجام مذاکرات مستقیم با اسرائیل در صورت به نتیجه **ادامه در ص۸**

برنامهٔ سرشماری در افغانستان و دشواری های موجود
ص۷

حکومت پاکستان با طالبان مسلح صلح کرد



حکومت ایالت سرحد پاکستان و گروه های مسلح طرفدار طالبان موافقتنامهٔ صلح امضا کردند. گفته می شود این موافقتنامه میان نمایندگان حکومت ایالت سرحد که از طرف حزب ناسیونالیست سرحد به رهبری اسفندیار ولی رهبری می شود و نمایندگان بیت الله مهسود فرمانده گروه مسلح طالبان که در وزیرستان جنوبی مستقر است به امضا رسیده است.

در این موافقتنامه ذکر شده است که افراد مسلح گروه بیت الله در مناطق قبایلی می توانند آزادانه فعالیت نمایند و مسلحانه گشت و گذار نمایند. آزادی زندانیان مربوط به این گروه نیز در این موافقتنامه ذکر گردیده است، در عوض گروه مسلح طرفدار طالبان تعهد نمودند که از حمله بالای نیروهای دولتی و بمب گذاری در خاک پاکستان اجتناب می کنند.

امضای موافقتنامه با طالبان در پاکستان، با مخالفت حکومت افغانستان رو به رو گردیده است، آقای سپنتا وزیر خارجهٔ افغانستان بارها اعلان نموده است که اقدامات یک جانبهٔ پاکستان با گروه های مسلح هوادار طالبان به نفع صلح و امنیت در منطقه نبوده و می تواند پیامد منفی در جهت ثبات افغانستان به جا گذارد. **ادامه در ص۸**

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ١٣٥٧ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- ـ هتل و رستورانت زنبق طلائی
شمارهٔ تلفن: ٠٧٠٢٨٥١٣٩
Website: www.mujahid1357.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

مجاهدین دیگر دنباله رو نخواهند بود

جمعیت اسلامی افغانستان به عنوان عمده ترین جریان سیاسی کشور در روند توافقات بن و پس از آن ترجیح داد در قدرت سهم مستقیم نگیرد و در انتخابات ریاست جمهوری گذشته کاندید مشخصی معرفی نکند؛ جمعیت امیدوار بود ادعاهایی که در مورد بازسازی، انکشاف افغانستان و رفاه مردم عنوان می شود، جامهٔ عمل می پوشد، جمعیت جهت موفقیت این ادعاها از هیچ نوع همکاری دریغ نکرده و در برابر همهٔ دسایس با اغماض برخورد نمود.

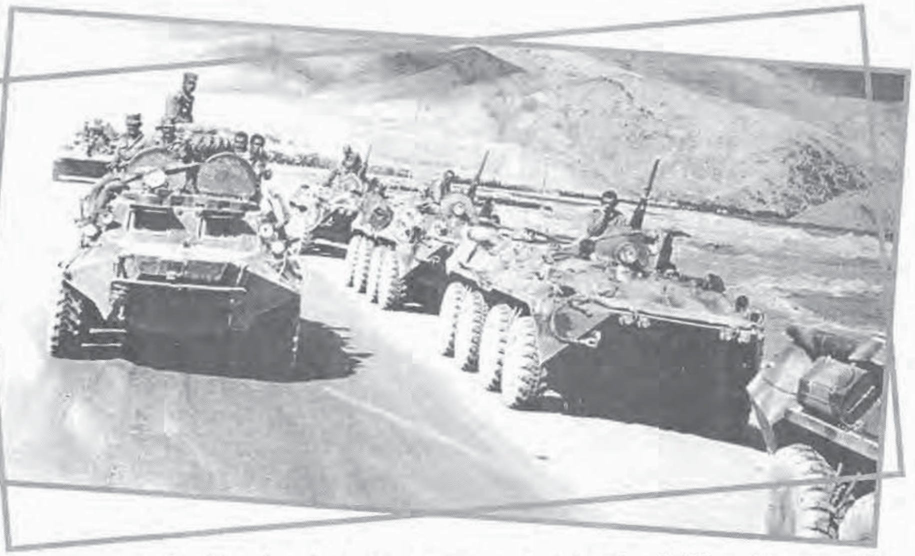
اما متأسفانه جریان و روند عملکردها و حوادث در ٦ سال گذشته، به اثبات رساند که این پیش بینی ها آرزوی خامی بیش نبوده و مردم افغانستان و جریان های سیاسی دلسوز کشور، این همه سال ها به دنبال سراب رفتند.

برخلاف ادعای دست اندرکاران نظام حاکم مبنی بر افزایش درآمد سرانه و قدرت خرید مردم، وضعیت اقتصادی اکثریت قاطع مردم افغانستان رو به خرابی بیشتر نهاد، شمار گرسنگان افزایش چشمگیری یافت، فساد اداری ابعاد و گونه های گسترده تر و ویرانگری را در برگرفت، گروه های مافیایی بدون هیچ هراسی از قانون و شرمی از مردم، به سوء استفاده از قدرت و دارایی ملی پرداختند و با تطبیق برنامه های خودمان سازی نظام به وحدت و همگرایی ملی ضربه های شدیدی وادار ساختند.

جنگ و تلفات افراد ملکی، دسیسه سازی و استفادهٔ ابزاری از ارزش های جهانی حقوق بشر به غرض حذف جریان ها و شخصیت های سیاسی غیرخودی، به صورت برنامه ریزی شده صورت گرفت، تمامیت خواهی و تمرکزگرایی بیش از حد قدرت، به ضعف بیشتر نظام، انجامید. تلفات غیر نظامیان مخصوصاً در جنوب و شرق کشور روز تا روز افزایش یافت و یک جنگ فراگیر و بی امان دیگر در انتظار سرنوشت کشور نشست، وعده های بازسازی ویرانی های سی سالهٔ جنگ و طرح های انکشافی، آن گونه که انتظار می رفت انجام نیافت و گروه های مافیایی خارجی قسمت اعظم پول های وعده داده شده را دوباره به خارج کشور منتقل ساختند.

با توجه به چنین روند نا امید کننده و به منظور جلوگیری از ادامهٔ آن، گروه های اسلامی و ملی مخصوصاً جمعیت اسلامی افغانستان، به این باور رسیده است که دست روی دست گذاشتن و به امید خام اصلاح نظام دل بستن، سیاست عاقلانه یی نخواهد بود و دیگر نباید تحت فریب وعده های بی اساس و تبلیغات گمراه کننده، از اشخاص و گروه های مشکوک حمایت کرد.

این سیاست با سخنان استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت در روز پنجشنبهٔ هفتهٔ گذشته به صورت واضحی بیان شد، "مجاهدین دیگر دنباله رو نخواهند بود!". جمعیت اسلامی افغانستان بدین نظر است که در انتخابات آیندهٔ ریاست جمهوری گروه های اسلامی کاندیدی شناخته شده را از میان خویش معرفی نمایند و یا از شخصیت های مستقلی که برنامه و طرح های مشخص اسلامی و ملی در زمینهٔ اقتصادی، سیاسی و مصالح علیای دولت و مردم ارائه نماید، حمایت کند. دولت و جامعهٔ بین المللی مسؤولیت دارند تا زمینهٔ برگزاری یک انتخابات شفاف و بی طرفانه را مهیا سازند و از نصب افراد مربوط خویش و تحمیل آن بر مردم افغانستان از راه های گوناگون پیدا و پنهان اجتناب کنند.



تجربه های ناکام اتحاد شوروی در افغانستان تکرار می شود

وحید مژده

سفیر فدراسیون روسیه درکابل آقای ضمیر کابلوف طی سخنانی به مناسبت بیستمین سالروز آغاز خروج نیروهای روسی از افغانستان، از شباهت ها میان اشتباهات شوروی در افغانستان و اشتباهات امروز امریکائی ها سخن گفت. وی گفت که امریکائی ها در افغانستان دقیقا همان اشتباهاتی را تکرار می کنند که اتحاد شوروی در افغانستان مرتکب شد.

اما بصورت عمومی می توان گفت که کمونیست ها در مقایسه با شرایط کنونی لااقل در آغاز کار بیشتر به مردم روستا ها توجه داشتند. بخش بزرگی از فرمان های تره کی به این هدف صادر شد تا روستا نشینان به حمایت از دولت ترغیب گردند. مثلا اصلاحات اراضی به منظور جلب حمایت دهقانان وروستانشینان اعلام کردند. اما چنین نشد. زیرا مردم عادت دارند تا اقدامات درست را نه بصورت مجرد بلکه در مجموع با عملکرد های آن در سایر بخش ها مقایسه کنند.

دولت کمونیستی خود را حامی کارگر و دهقان می دانست و توجه به سکتور زراعت برای بهبود وضع کشاورزان از جمله شعار های رایج در آغاز کار بود اما تندروی ها و تمایل کمونیست ها به تغییرات سریع و انقلاب با توسل به زور و بدون توجه به عنعنات جامعه، مردم را از رژیم بیزار ساخت، خشونت اوج گرفت و دولت به سرکوب دهقانان دست زد.

اشتباهاتی که کابلوف به آن اشاره می کند بدون تردید شامل بمباران های کور و بی هدف می شودکه بیشتر از مردمان بی گناه قربانی می گیرد، داخل شدن به خانه های مردم برای جستجونیز از اشتباهات دیگری نیروهای خارجی است، این اشتباهات را اتحادشوروی موجب گردید ملیونها افغان مجبور به ترک خانه و کشور خود گردند وبه کشور های همسایه و حتی کشور های دور پناه ببرند. سیاست زمین سوخته که در آن زمان بوسیلهء اتحاد شوروی در افغانستان بکار گرفته شد، روستا ها را از سکنه خالی کرد به این امید که مقاومت روستائی به پایان برسد و شهرها سلطهء دولت را بپذیرند. به همین دلیل بود که حتی قبل از تجاوز مستقیم ارتش سرخ به افغانستان، کمونیست های وطنی می گفتند که برای افغانستان دوملیون نفوس کافیست.

امروز ما در بخش بزرگی از جنوب کشور با یک جنگ تمام عیار مواجه هستیم. دولت افغانستان تلاش دارد تا عامل اصلی این جنگ و خشونت را در مداخلهء پاکستان خلاصه نماید و از پرداختن به عوامل داخلی بحران چشم پوشی می کنند. همانگونه که دیروز کمونیست ها با اشتباهات جبران ناپذیر خویش حالتی را بمیان آوردند که سرانجام بحران از کنترول خارج شد، امروز هم اشتباهات به اصطلاح هواداران دیموکراسی ما را بار دیگر به همان سمت و سو می برد.

گزارشگر سازمان ملل متحد در افغانستان آقای فلیپ الستون می گوید که نیروهای خارجی حقوق بشر را در افغانستان نقض می کنند و به حفظ جان مردم غیرنظامی توجهی ندارند. ناتو این اظهارات را رد می کند و می گوید که این مخالفین دولت هستند که با اقدامات شان جان غیرنظامیان را به خطر می اندازند و از آنها بعنوان سپر انسانی استفاده می کنند. روسها نیز روزگاری همین حرفها را

دیروز اتحاد شوروی برای دفاع از دولت دست نشانده اش به ساختن ملیشه های قومی دست زد که بعدا مشکلات فراوانی را بمیان آورد. امروز در جنوب عین همان برنامه در حال اجرا شدن است و حتی در آن سوی مرز هم امکانات مالی به مصرف می رسد تا به وسیلهء چنان عناصری، از سرحد محافظت صورت گیرد و از نفوذ طالبان به داخل افغانستان جلوگیری بعمل آید

می زدند و می گفتند که این اشرار هستند که مارا مجبور می سازند تا دست به بمباران بزنیم. برای اینکه از بمباران جلوگیری شود، مردم باید به مخالفین دولت مجال فعالیت ندهند.

اما می توان به شباهت های دیگری نیز اشاره کرد که کابلوف از آن بصراحت سخن نگفته است. تحمیل ارزش هائی که با دین و فرهنگ ملت همخوانی ندارد. کاری که کمونیست ها پس از کودتای هفت ثور ١٣٥٧ به آن دست زدند این مساله موجب گردید تا مقاومت بیشتر از پیش گسترده گردد.

هم کمونیست های وطنی دیروز و هم دیموکراسی خواهان امروز لااقل، از یک جهت با هم همنظر اند و آن اینکه مردم توان درک خیر و شر خویش را ندارند و باید به نیابت از مردم، نخبه ها و روشنفکران تصمیم بگیرند که چه چیزی برای این جامعه خوب و چه بد است. اما روشنفکران کمونیست دیروز و روشنفکران دیموکراسی خواه امروز هر دو، از یک مشکل رنج می برند؛ هردو در ایجاد رابطه با مردم مشکل داشته اند.متأسفانه نهاد های جامعهء مدنی و وجود رسانه های آزاد و متعدد نتوانسته موفقیتی در ایجاد این پیوند داشته باشند.

یک شباهت مهم دیگر در اشتباهات شوروی و امریکا وجود دارد که باید به آن توجه شود؛ شوروی بعد از کودتای ثور از رژیمی در افغانستان به حمایت برخاست که بصورت روز افزون از حمایت مردم را از دست می داد. امریکائی ها هم امروز پس از شش سال درهمان مسیرمی روند.

هرچند این دو دولت را نمی توان باهم قابل مقایسه دانست زیرا در مورد اول آن دولت یک رژیم کودتای بود که با زور سرنیزه به قدرت دست یافته بودرحالیکه حکومت های بعد از سقوط طالبان، ظاهراً درنتیجه انتخابات به میان آمدند تا حدی زمینه برای مشارکت مردمی وجود داشت. اما اینکه حکومت از عناصر ضعیف و ناکارا ساخته شد و در آن بیشتر اعمال نفوذ کشور های خارجی نقش داشت، موجب گردید تا مردم بشدت ناامید گردند. باز هم به سخن گزارشگر سازمان ملل متحد در افغانستان استناد می کنیم که گفت افغانستان صحنهء کشمکش میان سازمان های جاسوسی بین المللی است. دیروز در زمان حضور تجاوز اتحاد شوروی در افغانستان، این کشور دستخوش دسیسه ها و توطئه های سازمان استخباراتی اتحاد شوروی یعنی کا جی بی بود اما امروز، دهها سازمان جاسوسی در این کشور دست اندرکار اند تا این کشور را به شاهراه ترقی و پیشرفت رهنمون گردند!

دیروز اتحاد شوروی برای دفاع از دولت دست نشانده اش به ساختن ملیشه های قومی دست زد که بعدا مشکلات فراوانی را بمیان آورد. امروز در جنوب عین همان برنامه در حال اجرا شدن است و حتی در آن سوی مرز هم امکانات مالی به مصرف می رسد تا به وسیلهء چنان عناصری، از سرحد محافظت صورت گیرد و از نفوذ طالبان به داخل افغانستان جلوگیری بعمل آید.

سوال اینست که چرا باید همچنان روی تجربه هائی پا فشرد که قبلا ناکامی آن به اثبات رسیده است؟

کالبد شگافی بحران کنونی



پوهنمل سید عنایت الله شاداب / استاد دانشگاه کابل

امروز در افغانستان بحران زدۀ ما برنامه های مورد تطبیق قرار می گیرد که برای کشورهای دیگر دربرهه زمانی ویژه درنظرگرفته شده وتطبیق آن را برنامه ریزان با روح وروان آن کشورمدنظر گرفته ورمزکامیابی چنین برنامه ها هم درهمین نقطه نهفته است.

بدون شک جهانی که ما در آن به سرمی بریم، جهان بحران هاست، بحران قدرت، بحران سیاست، بحران اقتصاد، بحران غذا، بحران حوادث طبیعی، بحران ارزش ها، بحران هویت و...

بحران های که بخشی از آن را اربابان قدرت وغول های سیاست جهان معاصر ایجاد می کنند، برخی هم زاده فقدان آگاهی رهبری دولت ها از جامعه بحران زده می باشد که رهبری آن را به عهده دارند و این بحران ها هم برایند قرار گرفتن رهبران کشورهای بحران زده، در راستاd تحقق منافع بیگانگان درعرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... است.

البته موجودیت بحران ها چه طبیعی و چه غیرطبیعی درجوامع انسانی امری است انکار ناپذیر ولی وجود بحران ها با این گستردگی - در جهانی که اکنون دهکدۀ کوچک نام گرفته است - مساله یی است که همه بشریت را آماج تهدید خود قرار داده است.

با ذکر این مطالب کلی اینک به کشورخود برمی گردیم، کشوری که در چند دهۀ اخیر قربانی آزمندی قدرت های اشغال گر، درسطح منطقه وجهان بوده وهمه دارونداراش را به باد داده است.

آری! دوام این بحران ها درکشور، همه را به این قناعت واداشته که در راه مهار این بحران کمرهمت بندند ومردم را از چنگ آن نجات دهند.

تحولات دهۀ هشتاد درکشور را برخلاف پندارهای نا آگاهانه - که دارند همه افتخارات وطن را به بیگانگان نسبت می دهند - درچهارچوب همین تحلیل می توان بخوانش گرفت.

همه می دانند که اکنون افغانستان در گرداب بحران دست و پا می زند، بحران فقر، تهی دستی، بحران امنیت، بحران هویت و...

کارشناسان بحران ها، بحران افغانستان را با دید های متفاوتی، مورد کالبد شگافی قرارداده می دهند.

برخی ها، این باور را به نشخوار گرفته اند که بحران موجود، برایند سلطه گروه های جهادی و به اصطلاح برخی ها تفنگ سالاران است که کشور را به این نا بسامانی ها کشانده است.

گروهی هم درکالبد شگافی این بحران مداخلات آزمندانه قدرت های بزرگ را بخاطرتأمین منافع ملی شان، در محراق توجه قرار داده وسلطه سیه ابرهای فقروبدامنی را پیامد تندبادهای سلطه جویی آن ها، به خوانش می گیرند.

برخی دیگر، همه این سیه روزی های را بدوش مداخلات همسایه ها انداخته وهرچه درچانته دارندبه سوی آنان حواله می کنند.

وگروه های دیگری هستند که جا به جای چهره های نا آشنا به فرهنگ و افتخارات این وطن را در اداره های کلیدی دولت که کار آن ها را بیشتر در راه تأمین منافع بیگانگان می دانند تا تأمین منافع ملی.

بدون شک همه آنچه گفته آمد دروضع نا به سامان کنونی کشورما اثرگذاربوده ونمی توان نقش آن ها را نادیده گرفت.

ولی صاحب این قلم را عقیده براین است که اساسی ترین عامل در بحران کنونی وتشدیدآن که روزتاروز اعتماد زدای کرده ودرمیان اقوام با هم برادر کشور تفرقه وفاصله ایجاد می کنند همانا وجود کسانی در مقام های کلیدی و رهبری کشور است که نه آگاهی از نیازهای اساسی جامعه دارند و نه هم به ثوابت و ارزش ملی ما، باورمندند و حتی گذشته از آن هم به دلبستگی کامل به بودن در این وطن نداشته به رمز و راز برنامه ها و روش های که برقراری یک نظام را تعین میکند، آشنایی دارند.

بلی! درظهورپدیده های اجتماعی وسیاسی و... هیچگاه نمی توان برپیروزی یک عامل خاص انگشت گذاشت. ولی تفکیک عوامل مهم امری است پذیرفتنی و خردمندانه، در بحران کنونی افغانستان هم نمی توان بر عامل خاصی انگشت گذاشت، ولی این که نقش موثر را چه عاملی می تواند ایفا کند باید آن را مشخص نمود.

این عامل همانا فقدان آگاهی کامل وشناخت واقعگرایانه از زمینۀ تطبیق برنامه ها وراهکارهای که فکر می کنند کارآ و مؤثرند.

امروز در افغانستان بحران زدۀ ما برنامه های مورد تطبیق قرار می گیرد که برای کشورهای دیگر دربرهه زمانی ویژه درنظرگرفته شده وتطبیق آن را برنامه ریزان با روح وروان آن کشورمدنظر گرفته ورمزکامیابی چنین برنامه ها هم درهمین نقطه نهفته است.

تطبیق این برنامه ها شبیه تطبیق همان نسخه های طبی می باشد که دوکتوران مریض را معاینه و دوای ویژۀ برای آن در نظرگرفته اند، اگر تطبیق این نسخه در مریض دیگر صورت گیرد همه می دانند که نتیجۀ آن چه خواد بود!

به گونه نمونه تطبیق برنامه های بازار آزاد، سکتورخصوصی و یا تطبیق دموکراسی با همه شاخ و برگ آن که در تطابق با حال و هوای فرهنگ زادگاه روییده از همین قماش به حساب می رود.

وهمین گونه است تطبیق سایر برنامه ها درکشورهای دیگرموفقانه انجام شده ولی در افغانستان بحران آفرین گردیده است.



افغانستان درچنبرۀ فقر

پوهندوی عبدالعلی کوهی/ استاد دانشگاه کابل

بعد از ادارۀ موقت در افغانستان بازار آزاد میدان عملی پیدا کرد عدم درایت، کفایت و تدبیر مسؤولان امور اقتصادی دامنۀ مشکلات را گسترده تر ساخت، طوری که نمونه های بارز آن در زمستان پار شکل گرفت و تا کنون ادامه دارد.

بازار آزاد، فقر، کمبود اشتغال، فاصلۀ مردم و دولت را بیشتر ساخته است.

فقر در واقع همان گونه که نقض حقوق بشر است، از سوی دیگر معلول آن بوده می تواند. فقرموجب می شود که جمعیت بزرگی از انسا نها از ابتدایی ترین حقوق انسانی شان محرو م گردند و یا نتوانند در یک محیط آبرومند زندگی کنند.

فقر از این جهت معلول نقض حقوق بشر شده می تواند که برخوردهای غیر مسؤلانۀ دولت و نهادهای مسؤول در برخی ازموارد باعث گردد که گروه بزرگی از انسان ها از داشتن یک زندگی آبرومندانه محروم گردند.

دانشمندان به این باورند که فقر زادۀ برخورد غیر علمی دولت ها با طبقات فقیر جامعه است. تحقیقات نشان می دهد که فقر فقرا در اغلب موارد حاصل سیاست های غیر مسؤولانۀ دولتهاست. فقر تنها نداشتن امکانات پولی کافی برای زندگی کردن نیست، بلکه ابعاد گسترده تری را شامل می شود.

امروز سیاست گزاران و افراد مرفه در جامعۀ ما نه در ظاهر بلکه در عمل، برخورد انسانی با فقرا ندارند وآنها را فاقد ارزش برای داشتن فرصت های مساوی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می دانند. اگر دیروز انسان های خودکامه، انسان ها را گروه گروه به چوبه های دار می آویختند، تا حاکمیت شان تداوم نماید، امروز فقرو بیچارگی میلیون ها انسان را در کشورما مورد تهاجم قرار داده، کرامت انسانی آنها را پامال نموده است.

فقر از دید صاحب نظران به عنوان نقض حقوق بشر محسوب می شود، دولت ها مسؤولیت دارند تا به واسطه بر نامه های فقر زدایی فرایند توسعه را که هدف اساسی آن رهایی انسان از فقر و بیچارگی است، تسریع بخشند و نگذارند، فقر حیثیت وکرامت انسان ها را نشانه گیرد.

کوفی عنان سر منشی سابق سازمان ملل متحد در ١٧ اکتوبر ٢٠٠٢م در روز جهانی مبارزه با فقر چنین گفته بود: فقر به منزلۀ انکار حقوق بشر تلقی می شود. امروز فقر یکی از چالش های جدی در برابر حقوق بشر قرار گرفته است، طوری که میلیون ها انسان در روی زمین به خاطر فقر و نداشتن پول از جامعه به انزوا کشانده می شوند و نمی توانند از حقوق انسانی شان استفاده نمایند. طوری که همین اکنون در افغانستان هزاران کودک و نوجوان از آموزش و پرورش محرومند و به دلیل فقر مزمن نمی توانند مکتب بروند.

به همین گونه تعدادی از استادان دانشگاه ها نظر به پایین بودن حقوق خویش به کارهای غیردانشگاهی مشغولند و دانشجویان در دانشگاه ها در یک بلاتکلیفی به سر می برند و دولت در این زمینه نقش یک ناظر و تماشاچی را دارد، همین گونه کودکان در جامعۀ ما به خاطر فقر خانواده های شان مجبورند تن به کارهای شاقه دهند.

به همین گونه زنان به عنوان یکی از آسیب پذیر ترین قشر در جامعۀ ما چون از نظر اقتصادی وابسته به مردان خانواده های شان می باشند همیشه مورد خشونت های مالی قرار گرفته و ناگزیر تن به بد ترین زندگی می دهند.

بعد از این که دولت فغانستان در زمینه های سرمایه گذاری ناکام از آب بدر آمد و شاهرگ های بزرگ اقتصادی و سرمایه گذاری ملی برای اشخاص و افراد به فروش رسانیده شد و تصدی های دولتی جایش را به افراد و سرمایه های شخصی خالی کرد، در شمار بیکاران افزایش به عمل آمد فقر و بیکاری آرام آرام دروازه های هر شهروند را کوبید ودر گام نخست کارمندان دولت را مورد آماج خود قرار داد که می توان نمونۀ بارز آن را در اعتصابات سراسری معلمان پایتخت و ولایات مشاهده کرد.

افزایش بهای مواد غذایی در بازار، دولتمردان را دست وپاچه ساخته وگاه ناگاه سخنان ضد و نقیضی را عنوان می کنند یک روز از گندم پاکستان حرف می زنند روز دیگر از گندم قزاقستان و بر خی از کارگزاران امور سیاسی دولت، دلیل افزایش نرخ مواد غذایی را بلند رفتن نرخ مواد غذایی در جهان می دانند، بارها در جلسات کابینه و مجلسین شورای ملی پیرامون مشکل افزایش قیمت ها و مواد غذیی بحث صورت گرفته است، اما تاکنون از نتایج عملی آن خبری نیست.

مجلس سنا طی نشست های اخیر خویش از دولت خواسته است که به خاطر برون رفت از مشکلات موجود، تجارت دولتی دوباره از سر گرفته شود و امکانات مشخص در اختیار وزارت تجارت قرار داده شود، تا مواد خوراکی مورد نیاز هموطنان به ویژه کارمندان دولت را از خارج وارد کند. این طرح که از سوی کمیسیون اقتصادی مجلس سنا مطرح و تهیه گردیده است تأکید بر این دارد که توزیع مواد غذایی درمیان کارمندان دولت، کمک خواهد کرد که قیمت مواد غذایی در بازار کاهش یابد، در این طرح ١٧ ماده یی آمده است که برای کارمندان دولت در بخش های نظامی و غیر نظامی مواد کوپونی توزیع گردد. گفته می شود که سه سال پیش مجلس طرح مشابهی را به رئیس جمهور ارائه کرده بود، اما گفته شد که آن طرح در آن موقع از سوی رئیس دولت رد گردید، این بار اعضای این مجلس امیدوارند که این طرح از جانب رئیس دولت پذیرفته شود سیستم توزیع مواد غذایی از طریق کوپون برای کارمندان نظامی، ملکی و اجیران، در سیستم حکومت های گذشته، به خاطر استقرار و تثبیت بازار عملی بوده است و با روی کار آمدن ادارۀ مؤقت و بازار آزاد به این سیستم خاتمه داده شد.

رفع این معضل اجتماعی ایجاب برنامۀ دقیق علمی و عملی را می طلبد، در غیر آن ادامۀ این وضع نا به سامان برای دولت افغانستان مشکل آفرین خواهد شد. تا قبل از آن که تمام شیرازۀ نظام از هم بپاشد، یک بار هم اگر بشود جامعۀ جهانی و دولت پیرامون این مشکل چاره یی بیندیشند.

متن سخنرانی استاد ربانی رهبر جهاد و مقاومت در همایش

همایش اعلام مواضع جمعیت ا

برادران وخواهران، برادر بسیار محترم مارشال فهیم، و یاران عزیزی که در دوره های سخت در راه دفاع از استقلال عزت وسربلندی ملت خود از هیچ قربانی دریغ نکردید، و آن یاران شهیدمان در رأس سپه سالار شهید که تا نفس واپسین با شور وشوق ازکشورشان از عزت وآبروی ملی شان و برای تأمین صلح و امنیت کشور وجهان مبارزه کردند و جان به جان آفرین سپردند و به آن دلیر مردان وشیر زنانی که در مسیر عزت آزادی و استقلال و سربلندی وطن استوار گام بر می دارند درود وسلام می گویم.

پرسش های فراوانی در ذهن مردم، وجود دارد، آیا نیروهای جهادی جریان جهاد ومقاومت افسانه یی پارینۀ شد، جایگاه شان در سیاست افغانستان، در تحولات مختلف افغانستان کجاست، آیا وجود شان درگذشته خلاصه می شود و یا این که برای امروز وفردای افغانستان برنامه و استراتژی دارند؟ من پیش از آن که به جواب این پرسش ها بپردازم نگاهی به گذشته می اندازم.

هستند کسانی که فکرمی کنند مجاهدین انسان های خشن، تفنگ سالار و جنگ سالار، هستند که جز جنگ، کشتن وویرانی چیزی دیگری را نمی شناسند، این جز تهمت بیهوده وحرف هرزه یی بیش نیست، زمانی که ما از جمعیت صحبت می کنیم، صحبت ما از یک رستاخیز بزرگ ملت سرافراز افغانستان است که دریک قیام بزرگ، پیروجوان، زن ومرد با هم، آهنگ استقلال وآزادی سردادند، و دراین راه جان وسردادند.

در روز های آغاز رستاخیز جهاد، اعضای جمعیت فکر می کردند، که ما نه تنها سربازان آزادی هستیم بلکه ما معماران بازسازی کشور هستیم، ما در برابر قدرت وحشتناک اتحاد سوروی می رزمیم، یقننا ویرانی های بی شماری به میان می آید، ما باید آنچنان که به آزادی فکرمیکنیم درجهت بازسازی هم بیندیشیم، با همین اندیشه بود که جمعیت با جدیت دست به بازسازی زد، اولین بازسازی از کجا آغاز شد؟ اولین بازسازی از بازسازی فکری وفرهنگی آغاز شد، برای اولین بارمجموعۀ از جوانان مهاجر جمعیت به مدیریت شهید شیون وکفایت الله شهید، برادر انجینر اسحاق، جریدۀ دیواری مجاهد را به قلم می نوشتند و با اشعار حماسی که خود می سرودند، شروع کردند.

درکتاب افغانستان در سه دهۀ اخیر ، راجع به جمعیت نوشته شده است که شمار نشرات جمعیت در دوران جهاد به ۴۸ جریده و نشریه می رسید، اما نشرات جمعیت بسیار بیشتر از این بود. این نشریات درکشورهای مختلف در سنگر های مختلف کشور، به زبان های مختلف فارسی، پشتو، عربی و انگلیسی به چاپ رسیده و پخش می شد. داسلام غږ، مجاهد، پیام مجاهد، میثاق خون، مشعل، صوت المجاهدون، صوت الجهاد، دجهاد زیری، د شهید غږ و ده ها جریده و مجلۀ دیگر به زبان های مختلف از سوی جمعیت نشر می شد و در ادبیات، در شعر و نثر حماسی دست آوردهای چشمگیری داشتند. ناگفته نماند که خواهران هم چندین مجله وجریده داشتند، صدای خواهران مسلمان وده ها نشریه دیگرتوسط خواهران نشر می شد.

در باب تعلیم وتربیت صدها لیسه ومدارس دینی، پوهنتون ها تأسیس گردید. مهمترین این مراکز علمی پوهنتون عبدالله ابن مسعود، پوهنتون أمهات المؤمنین برای خواهران بود. قسمی که برادر فقیری، اشاره کرد صدها تن از حربی شونحی جمعیت اسلامی فارغ شدند. لوی درستیزصاحب بسم الله خان یکی از فارغان موسسۀ تعلیمی حربی است و در اکادمی پولیس جنرال ناصری مدیر بود، صدها پولیس از این موسسه فارغ شدند. ما فاکولتۀ طب نداشتیم مگر مراکز زیادی برای تربیۀ خدمات اولی صحی تأسیس شد. بدین صورت کدر سازی به حیث یکی از گام های سنجیده شدۀ بود که جمعیت به آن توجه داشت. برای ایجاد مرکز تحقیقات علمی، یک تعداد زیاد از استادان وشخصیت ها مانند پوهاند فاضل، دانشمند محترم سلجوقی که تفسیرقرآن کریم را ترجمه کردند، داکتر حقشناس، عبدالعزیزفروغ و ده ها استاد دیگری در این مرکز کار می کردند. دکتر حقشناس، و راجع به تاریخ معاصر افغانستان تألیفات ارزشمندی انجام داد . عبدالعزیزفروغ به حیث یک اقتصاد دان رسایل مفیدی را در باب اقتصاد نوشت، مرحوم کشکی یکی از اعضای این مرکز بودند، استاد خلیلی دانشمند فرهنگی، با ارزش کشور در همین راستا قرار داشتند، زمانی که به امریکا رفتم، با استاد خلیلی صحبت تلفنی کردم، آن ها آمدند و مهم ترین آثار شان را در پاکستان آفریدند.

برای بهبودی وضعیت مهاجرین و حفظ مهارت های ملی مراکزی برای بافتن قالین تأسیس نمودیم، در این مراکز تا چهل هزار نفر از مهاجران کار می کردند. این قالین ها در مارکیت بی رقیب بود.

فرماندهان عزیزما در رأس انجینر شهید احمدشاه مسعود، برای بازسازی، برای ساختن مدارس، مکاتب، سرک ها، طرح های مهمی را به مرحلۀ اجرا گذاشتند، درکوه های صعب العبور سرک ها ساخته شد.

در باب وحدت وهمبستگی ملی شما می دانید که جمعیت یقینا به عنوان یک محور بود وهست وسایرمجاهدین هم



البته به این قضیه سخت توجه داشتند، طوری که مراکز قدرتمند جمعیت درشمال افغانستان وجود داشت، درجنوب افغانستان، درشرق افغانستان، مراکز پرقدرتی داشتیم. در زابل، قندهار، ارزگان، هلمند، پکتیکا، پکتیا وکنرها مراکز پرقدرت داشتیم. در جمعیت شیعه و سنی عضویت داشتند. جریدۀ راه حسین یکی از جرایدی بود که توسط جبهات مرکز ما به نشر می رسید، به هر حال این یک نوع یاد آوری محدودی است که خواستیم به آن ها اشاره بکنیم، به علت همین سابقه پر درخشش است که هر قدرمجاهدین کوبیده می شوند، به نام های مختلف چکش می خورند، میخ وار پاهای شان عمیق ترمی شود، وبه گفتۀ رحمان بابا:

"لکه ونه مستقیم به خپل مکان یم
که خزان راباندی راشی که بهار"

یقینا که مجاهدین اگر درکابینه حضور نداشتند درمیان ملت حضور داشتند، اگر این ها به نام دایاگ، دی دی آر و یا ریفورم از ارگان های دولتی اخراج شدند وسلاح های شان گرفته شد، حضور مردمی شان قوی تر شد وشما می بینید دست آورده های برخی از فرماندهان وقوماندان ووالیان که منسوب که به مجاهدین است، بسیار برجسته می باشد.

جمعیت در دوران جهاد برای برقراری روابط با جهان بیرون، ابتکارات عظیمی داشت، روزهای رفتن به امریکا غوغا می آفرید، جمعیت شجاعانه این موضوع را عنوان کرد که ما نمی خواهیم قضایای ملی ما در صوبه دارها ومخفی گاه ها حل شود، باید با رهبران جهان قضایای وطن خویش را مطرح بکنیم و از طرف ما هیچ کس حرف نزند. شما آرشیف جمعیت را بخوانید، وقتی که موضوع بحث روی ژینو صورت گرفت پاکستانی ها خواستند از طرف مجاهدین حرف بزنند، در دفتر جمعیت جلسه یی از خبرنگاران برگزارشد من گفتم وزیر خارجۀ پاکستان حق ندارد از طرف مردم افغانستان حرف بزند، او می تواند راجع به مشکل مهاجران صحبت کند، یکی از خبرنگاران پرسیدکه مگر شما علیه پاکستانی ها اعلان جنگ می کنید؟ گفتم ما به هیچ کس حق نمی دهیم ما را تحت قیمومیت داشته باشد. دراین جا مهاجر هستیم اما به پاکستان حق نمی دهیم که راجع به سرنوشت ما حرف بزند.

جمعیت طرفدار میانه روی بود، افراط گرایی و خشونت در جمعیت جای نداشت.

به نشریات و حتا صحبت های بعضی از دوستانی که جمعیت را متهم می کردند که طرفدار مبارزۀ فرهنگی است، مراجعه کنید. یقینا ما طرفدار یک مبارزۀ فرهنگی بودیم، و باید این موضوع را روشن سازم که اگر ما مورد تجاوز اتحاد شوروی قرار نمی گرفتیم آزادی های سیاسی ما سلب نمی شد، مبارزۀ ما شکل مبارزۀ فرهنگی را داشت و ما دست به سلاح نمی بردیم ولی وقتی که دیدیم همه دروازه های یک مبارزۀ مسالمت آمیز بروی ما بسته شد، آن زمان ما دست به سلاح بردیم و اعلان جهاد کردیم، مسألۀ دموکراسی و انتخابات از جملۀ تقاضاهای اولیه ما بود، ما به داوود خان نوشته بودیم که ما دیوانۀ حکومت کردن نیستیم، تا زمانی که داوود خان زنده بود من سخت تلاش می کردم که جنگی صورت نگیرد، زیرا برداشت من این بود که داوود خان کمونیست نیست، اما انسان خود خواه وسرکش است، من فکر می کردم به هر حال عناصر طرفدارکی. جی. بی، وی را در محاصر گرفتند و امروز یا فردا او در مقابل آن ها قرار می گیرد، با نماینده های وی ارتباط گرفته شد، پیام هایی به نام داوود خان، نعیم خان و مستغنی جدا جدا فرستادیم واز عواقب اوضاعی که در کشور حاکم وخطراتی که متوجه این کشور هست، یاد آوری کردم و گفتم: داوود خان باید خود را از زنجیر مسکو نجات بدهد، خودش هم به این نتیجه رسیده بود، اما وقتی که تصمیم گرفت، حمله کردند و او را شهید ساختند.

یک روز آقای حکمتیار که تا هنوز از جمعیت جدا نشده بود، پرسان کرد که اگر پیروز شویم برای من کدام وزارت را میدهی؟ من گفتم که اگر پیروز شویم اول خودم می روم به پوهنتون وظیفۀ استادی ام را پیش می برم وتو برو درست را تکمیل کن، او گفت کی وزیر شود؟ گفتم آقای روان فرهادی وچند نام دیگر را گرفتم، او گفت ما خون بدهیم و دیگران حکومت کنند؟ گفتم ما و شما برای آزادی کشور مبارزه می کنیم به خاطر وزارت وحکومت کردن خون نمی دهیم.

این تئوری پیش ما وجود داشت که ما برای نجات کشور خود مبارزه می کنیم، بازهم اشاره می کنم که حرکت بزرگ جهاد به خصوص جمعیت اسلامی افغانستان به خاطر آزادی کشور آغاز شده بود ومن این احساس را دروجود فرد فرد برادران خود می دیدم.

بعد از سقوط ادارۀ طالبان در کابل، جبهۀ متحد پیروزمندانه وارد کابل گردید. آن زمان انجنیر مسعود را به عنوان معاون رئیس جمهور تعیین نمودم اما او نپذیرفت و با اصرار از من خواست از این کار صرف نظر نمایم.

در زمان درگیری های داخلی مجاهدین جهت حل بحران به جلال آباد رفتم آنجا حکمتیار پیشنهاد نمود که سباوون وزیر دفاع شود، شهید مسعود بیشتر از من اصرار داشت که باید سباوون وزیر دفاع شود. زمانی که آقای حکمتیار دست به جنگ زد، ما آمادۀ هر نوع امتیاز دهی بودیم، احمدشاه مسعود به هر قیمتی تلاش می کرد صلح در کشور تأمین شود.

در زمانی که طالبان به غزنی رسیدند، قاری بابا که فرمانده قدرتمند دولت در غزنی بود، پیام فرستاد که من توان جلوگیری طالبان را دارم و با آنها می جنگم، مسعود شهید به وی امر کرد که با طالبان نجنگد، زمانی که طالبان به دروازۀ کابل رسیدند، گل حیدر فرمانده سنگرهای جنوب کابل بود، به امر دولت از سنگرهای خویش عقب نشینی نمود و در دروازه های کابل سنگر گرفت.

احمدشاه مسعود به خاطر صلح آماده شد بدون محافظ نزد طالبان برود. بعد از سقوط طالبان در کابل هرچیزی را که می خواستم جامعۀ جهانی قبول می کرد، اما با این حال جمعیت اسلامی و جبهۀ متحد تشکیل حکومت را به فیصلۀ ملی گذاشتند، برای آنهایی که که یک قطره عرق شان به خاطر وطن نریخته بود، سهم شیر سپرده شد و در رأس قدرت قرار گرفتند، انتقال قدرت برای اولین بار در تاریخ افغانستان به شکل مسالمت آمیز صورت گرفت.

مجاهدین همه و از جمله جمعیت اسلامی افغانستان با یک قلب پاک به هدف ثبات و امنیت به امید این که وحدت ملی تأمین شود، بازسازی صورت گیرد، منافع ملی افغانستان با منافع جوامع بین المللی گره بخورد، همۀ امتیازات را به دیگران سپردند، اما متأسفانه خودخواهی و یکه تازی در حکومت حاکم شد به عناوین مختلف مجاهدین از حکومت کنار زده شد، نه تنها مجاهدینی که فرماندهی را به دوش داشتند، بلکه مجاهدینی که در عرصۀ سیاست و فرهنگ اشتغال داشتند به بهانه های مختلف از قدرت کنار زده شدند.

بازهم می بینیم که عکس العملی و هیچ حرکتی از طرف گروه های مجاهدین به خصوص جمعیت صورت نگرفت، گفتند خیراست ما به خانه های خود بر می گردیم، وزارت مال شما اما، اختلاف افگنی، تفرقه جویی، تبلیغات ناروا علیه جهاد و مجاهدین به خصوص اعضای جمعیت صورت گرفت.

ما یکجا با دیگر گروه ها و شخصیت ها به خاطر همبستگی ملی جبهۀ ملی را تأسیس نمودیم، غوغا برپا کردند و گفتند این ها کودتا می کنند به سفارت خانه ها اطلاع دادند که یک کودتای نظامی در راه است، حتا با دست و پاچگی بخشی از قوت های نظامی را در میدان هوایی کابل جا به جا کردند. جبهه تا هنوز با چنده کرایۀ دفتر خویش را تهیه می کند و سهم بیشتر را مارشال صاحب می پردازد.

نا گفته نماند ابتکاری که منسوبین جهاد به خصوص جمعیت، در ایجاد جبهۀ ملی به خرج دادند، یک کار تاریخی است، ما در تاریخ افغانستان برای بار اول این گام را برداشتیم، کسانی که دیروز در رویا رویی با همدیگر جنگیدند امروز در پهلوی همدیگر نشستند، سیاست می کنند اگر تا دیروز تضادی وجودداشت امروز هیچ تضادی در اندیشه فکری نمی بینم، در صف نماز که اعضای جمعیت و مجاهدین ایستاد می شود، در همان صف نماز، اعضای حزب خلق و پرچم دیروز قرار می گیرند، دیروز ما راجع به تقبیح اهانتی که عسکر امریکایی در عراق علیه قرآنکریم انجام داد، خواستیم که قطع نامه صادر نماییم، من شهادت می دهم که یکی از اعضای حزب خلق سابق، آقای گلاب زوی لحن شدیدتری را در این قطع نامه پیشنهاد کرد، این یک فرهنگ جدید در تاریخ معاصر سیاسی ما می باشد، با این کار مجاهدین، چند جهتی ها از بین می رود، و به عنوان یک ملت مؤمن و مسلمان در یک صف و سنگر قرار می گیریم.

اسلامی افغانستان در شرایط کنونی کشور

برادران و خواهران!

جلسهٔ ما کمپاین انتخاباتی نیست اگر کمپاین می بود، شاید جلسهٔ بزرگ و با شکوه تر می داشتیم، اما من با صراحت می خواهم اعلان کنم که از این به بعد مجاهدین دنباله رو نخواهند بود، از این به بعد به عنوان پرزه های کم ارزش در جریان سیاسی به نفع دیگران عمل نخواهند کرد. از این به بعد تصمیم می گیرند و نمی گذارند با سرنوشت کشور هرکسی بازی کند.

تصمیم ما این است که در قدم اول خود مجاهدین، در باب زعامت سیاسی کشور و بعد، به احزاب مختلف نهادهای مدنی و اقوام افغانستان موضوع مطرح خواهد شد. یک کاندیدی که وفاق ملی را تأمین کند مطرح می کنیم.

ما در بستر بحران قرار داریم، بحران تنها امنیتی نیست، شما می بینید بحران سرتاسر کشور را فرا گرفته است، مردم علف می خورند و کودکان شان را به فروش می رسانند، مواشی افغانستان به کلی دارد از بین می رود، بحران دامن گیر همه است و به تعبیر قرآن: "ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس" فساد همه جا را به خاطر حکومت گرفته است، هیچ برنامه یی برای نجات مردم نیست، آیا نمی شد در پهلوی میلیاردها دالری که در جنگ مصرف می شود چند صد میلیونی هم به خاطر خرید گندم مصرف شود تا زن و طفل و کودک افغانستان از گرسنگی نمیرد.

حکومت باید به جامعهٔ بین المللی بگوید شما برای چه می جنگید؟ برای امنیت می جنگید؟گرسنگی امنیت کشور را مختل می سازد، شکم های گرسنه به گفتهٔ یک نویسنده منطق را نمی پذیرد، یک بار اگر سیلی از گرسنگان به خیابان ها بریزند، دیگر هیچ قدرت نظامی نمی تواند جلو شان را بگیرد.

جبههٔ ملی با احتیاط زیاد و محافظه کاری برنامه های اصلاحی را مطرح می نماید با وجود آن می بینیم پیشنهادات منطقی جبهه پذیرفته نمی شود. جبهه و جمعیت خواهان آن است که باید برای حل مشکلات کشور با اپوزیسیون مسلح به شکلی کنار آمد.

در این روزها برخی پیام های به آدرس جمعیت و جبهه می رسد، از جمله چند روز قبل یک ورق که حامل یک سلسله خواست ها و پیشنهادات گروهی از طالبان به ما رسید. نکات مثبتی در این پیشنهادات دیده می شد، از جمله این که آنها به تمام میثاق های بین المللی، ملل متحد، کنفرانس اسلامی پابند هستند، به مکاتب دختران و پسران مخالفتی ندارند، **با** اختلاف قومی، نژادی مخالفند، با تمام کشورهای اسلامی و غیر اسلامی علاقمند دوستی می باشند، افغانستان نباید پایگاهی برای تهدید همسایه ها شود.

باید گفت وضعیتی را که در گذشته طالبان به میان آورده بودند به هیچ وجه قابل قبول ما نیست، اما ما می توانیم در روشنی منافع ملی با مخالفین گفتگو کنیم، ما باید برای تأمین امنیت و برای صلح قیمتی پرداخت نماییم.

قسمی که در صحبت های اشاره کردم داشتن روابط با جامعهٔ بین المللی، در فرهنگ سیاسی جمعیت یک مطلب جدید نیست، جمعیت از گذشته های دور به آن اعتقاد داشت، به خاطر ساختن افغانستان و وارد شدن در یک مرحلهٔ بازسازی پیش رفته، ما با همکاری کشورهای بزرگ مانند امریکا و کشورهای اروپایی و کشورهای بزرگ منطقه و دنیای اسلام نیازمند هستیم، لذا با رعایت مسایل ملی با آنها دست همکاری و دوستی دراز می نماییم، اما این موضوع را چندین بار گفته ام و بار دیگر تأکید می کنم، پیام ما به دوستان بین المللی این است که در کشور ما به فکر سربازگیری و مزدوریابی نباشند.

زیرا افغان ها قسمی که در یک جای دیگر گفته ام، می توانند دوستان خوبی باشند، اما به هیچ صورت مزدوران خوب نخواهند شد. اگر مزدور شوند نه به وطن شان مصدر خدمت و خیر می شوند و نه به کشورهایی که سربازگیری و مزدورگیری می کند، به جا فرموده قرآن کریم: "کَلّ علی مولاه لا یأتی بخیر" انسان مزدور و اجیر بار دوش بادارش است و مثل دست شکسته در گردن بادار آویزان است و هیچکاری کرده نمی تواند.

اما اگر جامعهٔ بین المللی با ملت افغانستان با احزاب سیاسی افغانستان، با سیاستمداران افغانستان، بدون تعویض و ترجیح یک قوم بر قومی دیگری، یک گروه بر گروه دیگری، دست دوستی و همکاری بدهند، از طرف ملت افغانستان و احزاب سیاسی پذیرفته می شوند.

مشکلات کشورما خیلی فراوان است، مشکلاتی که به یک طاعون همگانی مبدل شده است؛ حل این مشکلات، به همکاری همهٔ گروه ها و احزاب نیاز دارد، ما باید بکوشیم، در برابر حرکت هایی که در بین اقوام کشمکش ایجاد می کند متحدانه مقابله کنیم، این یک جهاد بزرگ و مقدس است. حرکات هایی که می خواهند به نام اقوام، د پښتنو تاجیکو، د اوزبکو، هزاره وو، بلوچانو او پشه یانو په منخ کې قومي لانجې منخ ته راولي تراوسه پوري زمونږ او تاسو دریخ د دوی په وړاندې دا دې چې، په هر موقعیت کې چې خای ولري د هغوی په مقابل په کلکه مبارزه او جهاد وکړو او دا یو لوی مقدس جهاد دی.

د دې خاورې ټول وګړي او ټول قومونه یو بل سره ورونه دی، دوی مسلمانان دي او د جهاد په سنګرو کې یو بل سره، اوږه په اوږه جهاد کړی دی. دوی د خپل وطن د امنیت د تامین لپاره یو بل سره تعاون کړې دی کولای شي چې پرته له کوم توپیر او امتیاز طلبې یو بل سره لاس ورکړي او همکاري وکړی.

زمونږ او تاسو په دې اجتماع کې دلته هغه وروونه ګورم چې زمونږ د هېواد د جنوب له خوا دي. لکه حاجي صاحب عبدالهادي د پوپلزي د قوم مشر له کندهارنه، د ناصر قوم مشر منصور له زابل نه، غلام علي خان چې زمونږ پخواني قوماندان اوهغه وخت خوان هلک وو، امریکې ته تللي وو او په سیاست کې شهادت نامه اخیسته ده، اوس د بارکزي د قوم له مشرانو څخه هم دی او داسې نور شخصیتونه دلته موجود دي. البته دا اجتماع ډیره ګړندي توګه جوړ شوی دی. زمونږ یو شمیر قوماندانان مخصوصاً سید اکرام الدین آغا چې له نورو ورونو سره د مجاهدینو د اتحاد لپاره هلې خلې پیل کړی دی یوه ورځ مخکې زما کورته راغلی او زما نه وغوښتل چې ډیرې خبرې اترې د مجاهدینو په اړه را روانې دي؟ دلته د کاندیدانو د انتخابات کمپاین روان دی، پټې خبرې روانې دی، څه به وکړو؟ ما دوي ته وویل چې تاسو لاړ شئ، یوه جلسه جوړه کړئ، دوی په ډیر چټکیا سره دا جلسه سمبال کړ.

کیداشي زمونږ او تاسو په پراخه پیمانه جلسات او اجتماع ګاني ولرو او یو بل سره خبري وکړو. له دې کبله زه وایم چه هغه کسان چې غواړي د کوچی او زمونږ هزاره ورونو په منخ کې اختلافات راوړي او یا د نورو قومونو لکه تاجیکو، پښتنو، اوزبکو او بلوچو په نوم لانجې رامنځ ته کړي باید دوی ته اجازه ورنکړو چې نوی فتنه جوړ کړي.

رسول الله داسې قومي اختلافونوته فتنه وایلی دی او فرمایلی دی: (انها ممتنه) دا یو بویناکه فتنه ده، زه بیا ټولو وروڼوته وایم چې مونږ یو واحد او متحد افغانستان غواړو.

وقتی که منشور جبهه اعلان شد و در آن هدف های ملی و دموکراتیک ذکر شده بود، از جمله این که مردم در ولایات در تعیین والی ها و ریاست های عمده نقش داشته باشند و در آن منشور همچنان از ایجاد نظام پارلمانی حمایت گردیده بود؛ بعضی ها غوغا برپا کردند که جبههٔ ملی می خواهد نظام فدرالی را پیاده کند، در حالی که، مطلب ما این بود که والی ها به خواست مردم پیشنهاد شود و رئیس دولت منظور نماید، باور ما این است که این شیوه به نفع امنیت و ثبات است، به طور مثال در ولایات جنوبی که بی امنی وجود دارد اگر، والی ها به خواست مردم تعیین شود، من یقین دارم که این بد امنی ها از میان می رود، زیرا سران قوم در آنجا نقش دارند و می توانند به اساس جرگه های قومی مشکل را حل کنند.

باز هم تأکید می کنم که مجاهدین طرفدار افراط گرایی نیستند، بلکه طرفدار فرهنگ اعتدال هستند، البته این فرهنگ یک حزب نیست، تعلیمات دینی ماست، اصلاً شریعت و اسلام دین وسط است، درمیان افراط و تفریط "و جعلناکم امهٔ وسطاً " خداوند مسلمان ها را خطاب قرار می دهد و می گوید که شما امت وسط و میانه هستید.

جمعیت مخالف تولید مواد مخدر و قاچاق آن بوده، طرفدار تأمین صلح و ثبات در منطقه و جهان می باشد.

مسألهٔ آشتی و گفتگو میان فرهنگ ها پیام عمدهٔ جمعیت اسلامی بوده و این را عاملی برای همبستگی و نزدیک شدن ملت ها و عامل تأمین صلح سراسری در جهان می دانیم.

در ارتباط اتهاماتی که مغرضین علیه مجاهدین عنوان می کنند و آنها را ناقض حقوق بشر می دانند خاطره یی را به شما حکایت می کنم.

در زمان جهاد برای دیدن مجاهدین به چترال رفته بودم، چند تا اسیر روسی را آوردند، یک جوان از لیتوانیا درمیان آنها بود، در موتر یکجا به سوی پشاور روان شدیم، خیلی خسته شده بودیم، درمیان دیر و چترال کوهی بلندی است آنجا نشستیم، مجاهدین از موتر پائین شدند. یک تفنگ کلکوف که از روس ها به غنیمت گرفته شده بود، آمرصاحب شهید برای من فرستاده بود، گرفتم و شروع کردیم به نشان زدن و آن جوان اسیر را دیدم می لرزد. از ترجمان علت آن را پرسیدم، آن جوان گفت می ترسم که مرا نکشید، من که دیدم او بیچاره بسیار ترسیده است او را در موتر خود نشاندم وترجمان را هم آوردیم در داخل موتر و قصهٔ ما شروع شد، از او پرسیدم چه انتظار داری دربرابرتو ما چه کاری خواهم کرد؟ گفت: شاید مرا بکشید، زیرا من نفرهای شما را کشتم، در دنبالهٔ صحبت فهمیدم که با دختری نامزد بوده است، او ادامه داد که او را به زور آوردند و همیشه در فکر نامزدش است.

برایش وعده کردم که او را نزد نامزادش می رسانم ، اول باور نمی کرد بعد که مطمئن شد خواهش کرد که او را به سفارت روسیه تسلیم نکنیم، او می ترسید او را می کشند، من رئیس صلیب سرخ در پاکستان را دعوت کردم و از وی تعهد گرفتم که آن جوان را به سلامت نزد پدر و مادرش برساند و برایم اطمئنان دهد و چنین شد.

ما حتا در برابر کسانی که ما را می کشند، همدین ما نبودند، سخت مهربانی و دلسوزی داشتیم، جنگ هایی که واقع شد و حوادث درد آوری رخ داد یقیناً بر مجاهدین تحمیل گردید. البته اشتباهاتی صورت گرفت، من نمی گویم که ما همگی فرشته بودیم، انسان اشتباه می کند اما خشونت، پامال کردن حقوق انسان و ظلم، اصلاً به عنوان یک فرهنگ درمیان ما وجود نداشت، ما هیچگاه در فکر انتقام گیری نبودیم، شما دیدیدکه آقای حکمتیار چه کاری نبود که نکرده باشد، وقتی که همه چیز را باخت، آمد به کابل، ما او را همراه خود بردیم به مزارشریف در آنجا اطلاع یافتم که دوستان خودش تصمیم کشتن و یا فروختن او را به طالبان گرفته اند، من فوراً اقدام کردم او را از دست افراد خودش نجات دادم، وقتی که در میدان هوایی آمد محافظش با بکس آقای حکمتیار ناپدید شد من با وجود اصرار قوماندان علم خان گفتم، تا وقتی که حکمتیار را نیاورید من در طیاره بالا نمی شوم.

روزی که از کابل برآمدیم در پنجشیر قرار شد که ما به تخار برویم، انجینرصاحب شهید به خاطر خطرات احتمالی چند هلیکوپتر را آماده کرده بود، تا ما را جدا جدا انتقال دهد، حکمتیار فکر می کرد که پلان شده است هلیکوپتر او سقوط داده شود، بسیار ترسیده بود، من او را در طیارهٔ خود سوار کردم.

به هر حال آدم کشی واحساس انتقام اصلاً در فرهنگ جمعیت جای ندارد، اعضای جمعیت درمورد کسانی که علیه آن ها جفا کردند هرگز در فکر انتقام جویی نیستند. اما به اصلاحات فکر می کنیم، درفکر تحول درکشور هستیم، وضعیت فعلی قناعت بخش نیست، باید تغییرات اساسی در کشور بیاید، انتخابات شفاف وآزادانه صورت گیرد، بعضی ها گفته اند که من وقانونی صاحب موافقه کردیم که انتخابات به تعویق بیفتد، درحالی که ما در جلسات رسمی گفتم قانون اساسی باید محترم باشد، وما حق نداریم مواد قانون اساسی را تغییر بدهیم، این کار لویه جرگه است.

در ارتباط همکاری های نظامی بین المللی، ترجیح ما این است که باید نیروهای وزارت دفاع ملی و داخله تقویت شوند و از ظرفیت وتجارب مجاهدین استفاده شود، این یک لشکر فدایی که در راه وطن آماده هر نوع فداکاری هستند چرا درکارتأمین امنیت از این ها استفاده نمی شود. ما به این عقیده هستیم که خارجی ها به جای این که اولاد خود را روان کنند وکشته شوند، بگذارند ما برای وطن مان قربانی بدهیم، ما حضور نظامی قوت های خارجی را به شکل قانونمندآن می خواهیم. من امیدوار هستم قسمی که آنها در کشورهای خود شان طرفدار پیاده کردن قانون هستند این جا هم طرفدار پیاده کردن قانون باشند وقانون شکنی را یک فرهنگ نسازند، ما طرفدار این نیستیم که افغانستان پایگاه تهدید علیه دیگران باشد، افغانستان باید سرزمین صلح وثبات وامنیت باشد وطرفدار این نیستم که افغانستان پایگاه تروریزم شود، همچنان طرفدار این هم نیستیم که خارجیان جنگ خود رابه خاک ما منتقل کنند. ما طرفدار دوستی با همه جهان هستم، امید وارهستم که انتخابات آینده افغانستان دریک فضای شفاف و مشارکت واقعی برگزار شود و هرکسی را که مردم افغانستان در این انتخابات شفاف برگزینند ما قبول داریم. طبعاً خود مجاهدین در فکر این هستند که در قدم اول یکی از اعضای خود شان را کاندید نمایند و در قدم دوم، از هرچهرهٔ که به نفع ثبات وامنیت کشور باشد حمایت نمایند.

امیدوارهستم که فردای افغانستان بهتر از امروز باشد و دوستی وبرادری به عنوان یک فرهنگ درمیان اقوام واحزاب حاکم شود.

أقول قولی هذا أستغفرالله لی و لکم



مولانا میر غیاث الدین غیاثی

شاعر وعارف بزرگ خطهٔ بدخشان

ترتیب وتلخیص عارف هروی

بدخشان از جملهٔ ولایاتی زیبا ودلنشین در حغرافیای طبیعی و تاریخی افغانستان محسوب می شود که در دل کوه پایه های آن خزاین مادی فراوان همچون لعل، لاجورد، طلا وسایر پیداوار گرانقیمت و نفیس جا گرفته است.

ولی بدخشان شناسان، بدخشان را نه از بعد مادی و موقعیت زیبای جغرافیایی آن بلکه بیشتر به دلیل ارزش معنوی، ارج می گذارند، زیرا در فرهنگ و ادب دری، بدخشان مرادف شعر و ادب، و لعل و لاجورد است و تنها این انسان آفرینشگر و با فرهنگ بدخشان است که مانند نگین درمیان انگشتری زیبای طبیعت بی بدیل او می درخشد و موجبات مجد و شرف آن را فراهم آورده است.

از این منطقهٔ زیبا که سیلی روزگار مکرر بر رخسار لاله گون آن فرو خرده است، پاکمردان به بلندای "پامیر" و صلابت به سان "کوکچه" و "آمو" داشته و نام هر یک آنان در آسمان فرهنگ کهن ما درخشندگی خاصی دارد.

تجار یمن تحفه بیردند غیاثی
از کان بدخشان به خجند این گهر ما

یکی از رجال بزرگ علم و عرفان حضرت مولانا می غیاث الدین متخلص به "غیاثی" است. او عارف کامل و وارسته، عالم بزرگ و سخنور و بلند مرتبه یی در تاریخ فرهنگ کشور و منجمله بدخشان، محسوب می شود. غیاثی در روستایی "حصار" (فعلاً حصارک) ولسوالی جرم ولایت بدخشان در ۱۱۱۷ هجری قمری ـ ۱۱۵۹هـ ش پا به عرصهٔ هستی گذاشته است. پدر غیاثی میر سید میرک فرزند سید غیاث الدین از سادات جلیل القدر بدخشان و شخص مؤمن و خدا پرست بوده است. می گویند اجداد غیاثی اصلاً از بلاد عرب بوده اند که با عساکر اسلام غرض انجام فریضهٔ جهاد فی سبیل الله و اشاعهٔ دین مبین اسلام و تعلیمات شرع پیامبر به ماوراء النهر (بخارا سمرقند) وارد شده اند. جد بزرگ غیاثی به نام سید غیاث الدین (اولیاء کلان) معروف بوده که با اعضای خانوادهٔ خویش از قریهٔ (ده بید) سمرقند به بدخشان مهاجرت نموده و در جرم بدخشان مسکن گزین شده اند.

غیاثی تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش جرم نزد خانوادهٔ خود، که همه افراد صاحب فضل و علمای دین بوده اند فراگرفته و بعداً غرض تحصیلات عالی عازم هندوستان شده است، زمان مسافرت به هند مصادف به سلطنت محمد شاه گورگانی پادشاه مغولی هند است. وی در هندوستان در شهر دهلی و سایر شهرهای آنجا علوم متداول زمان خود را در عرصه های فقه، تفسیر، کلام، منطق، حدیث، فلسفه، حکمت، عروض و ادبیات عربی و فارسی فرا گرفته است، بعد از این که غیاثی به حد رشد علمی و فکری گام می گذارد، در لاهور به خدمت شاه معصوم ولی الله یکی از مرشدان طریقهٔ نقشبندیهٔ هند رسیده، از وی دست ارادت گرفته و بعد از طی مراحل سیر و سلوک و ارشاد جهت رهنمایی و تربیهٔ مریدان و عاشقان الهی به زادگاه خود بدخشان برگشته است.

قریهٔ "حصارک" آنجایی که دریاچهٔ پیشگان در انتهای شهر جرم به دریای کوکچه فرو می ریزد قرار گرفته است که پر از چشمه سارهای گرم و سرد و گل های زیبای خود رو و خوشبو است. باغ های سر سبز و پر میوهٔ آن در ساحل چپ این دریاچه و ریاحین زارش آنجایی که دریاچهٔ مذکور به دریای کوکچه فرو می ریزد واقع شده است. نام جرم از اسمای قدیمه است شاید از قرون اولیهٔ اسلامی بدینسو مصطلح بوده باشد و این نام در متون قرن های چهار و پنج مانند کتاب حدود العالم، تاریخ بیهقی و همچنان در اشعار ناصر خسرو در ۱۵۳ بدین گونه ذکر شده است:

سخنم ریخت آب دیو لعین
به بدخشان و جرم و یمک و براز

و جرم از طرف جنوب به درهٔ یمگان آنجایی که حکیم ناصر خسرو بلخی در آن مأوا دارد محاط است. جرم در متون تاریخی به نام های شهر "گلان" یا شهر "گلستان" مسمی بوده است.

این منطقهٔ شاداب بعدها در حملهٔ چنگیز همراه با شهر بهارستان که مرکز سلاله های مستقل بدخشان نیز بوده، ویران شده و متعاقب آن از جانب احفاد و بازماندگان چنگیز خسارات زیادی را متحمل شده است ولی تا روزگار غیاثی شهر جرم دوباره احیا شده و از رونق خوبی برخوردار بوده است.

منظرهٔ این محل زیبا غیاثی را واداشته است تا بدخشان را "نگین جهان" و قریهٔ حصارک، یا حصار زادگاه خود را "نگین بدخشان" بداند.

گشتند نگین شست جهان لعل ما "غیاث"
باشد نگین ملک بدخشان حصار جرم

غیاثی برعلاوهٔ این که عارف کامل و مرشد توانا بود در شعر و سخنوری نیز مقام و پایهٔ بلندی درمیان شاعران همروزگار خود داشته است. او شاعر وارسته یی بوده و مانند دانای یمگان (ناصر خسرو) هرگز سخن شیرین دری را در پای صاحبان زور و زر فرو نریخته و به دنیا و متاع و لذت های آن علاقهٔ چندانی نشان نمی داده است. بار فراوان معنوی، سلاست و روانی سخن و تشبیهات دلپذیر، کلام شاعر را مطبوع و دلپسند هر خاطری نموده و تا جایی که در زمان حیات غیاثی دلبستگان و هواخواهان شعر او در هندوستان و خراسان (افغانستان) و ماوراء النهر زیاد بوده اند که این حقیقت از خلال تضمین و تقلیدها زیادی که از کلام به عمل آمده است تأیید می گردد.

از مولانا میر غیاث الدین غیاثی برعلاوهٔ دیوان اشعار که حاوی ۲۹۱۰ بیت بوده و در سال ۱۳۰۷هـ ش در شهر هندوستان به چاپ رسیده است تألیفات دیگری نیز به نظم و نثر باقی مانده است که از جمله:

۱- تحفه المعصوم: این اثر به نظم و نثر نگاشته شده است.

۲- رمز المحققین: این رساله در ۸ فصل تدوین شده و مطالب آتی: مقامات اربعه، از قبیل شریعت، طریقت، حقیقت، معرفت و چهار سیر و سلوکی که مراد از قربت، وصلت، وحدت و سکونت را شامل است. غیاثی هر بخشی از این موضوعات را با آوردن نصوصی از قرآن و احادیثی از پیامبر "ص" مطابقت و استناد داده و خواسته است، تا طریقت و تصوف را با موازین شریعت اسلامی عیار و به اثبات برساند.

۳- رسالهٔ غوثیه: این اثر سخنان عرفانی حضرت شیخ عبدالقادر جیلانی است که از زبان عربی به زبان دری ترجمه شده است.

۴- تصوف پیران نقشبندیه، مجددیه، سرندیه از نمونهٔ کلام اوست.

در شب نوروز هر سال مریدان و اخلاصمندان مولانا غیاثی در جوار آرامگاه او که در فیض آباد بدخشان به نام مقبرهٔ پیر دستگیر جان در گذر "چقورک قدیم" و "گذر غیاثی" معروف و قرار دارد دور هم می آیند و محفل ویژه یی برگزار می نمایند.

روحش شاد باد

غزل زیر از نمونه های کلام او است:

زنده پوش راه فقرم از مقاماتم مپرس
خاکسار کوی عشقم از کراماتم مپرس
مرغ باغ وحدتم، عنقای اوج فکرتم
طوطی عذب اللسانم، ازمقاماتم مپرس
آتش طور است اندرزیرخاک گلخنم
داغ های سینه ام را بین وحالاتم مپرس
حامل آن بار اسرارم که گردون برنداشت
قوتم را بین وازکسب وکمالاتم مپرس
من ندانم من مللم را غیاث الدین که چیست
ازحریم کعبهٔ الله هم مقاماتم مپرس

... بل مادر آفریند

عبدالاحدتارشی

می خواست شاید او را روشنگر آفریند   خورشید یا که مهتاب یا اختر آفریند
دامان آسمان را پر سازد از حضورش   هر گوشه‌ء فلک را زو انور آفریند
شب خواب ریزد از وی در دیده‌ء خلایق   صبحش چو مهر تابان از خاور آفریند
دریای کهکشانش سازد به سینه‌ء چرخ   وز نور خویش او را پا تا سر آفریند
بنمایدش به شب ها اوقات استجابت   یا هم لبی ثناخوان ، چشمی ترآفریند
اورا نماید ایمان درقلب حق پرستان   وز نوع آسمانی یک یاور آفریند
رویای سخت شیرین وز صدبهار رنگین   زین هستی مقدس وین اطهر آفریند
هرگونه گل بکارد او را به دشت خلقت   گه سبز گه سفیدش گه احمر آفریند
در قالب شقایق یا زنبقی معطر   ریزد حیات او را یا عبهر آفریند
یا فی المثل صنوبر از هستیش بسازد   یا سوسنش و یا هم نیلوفر آفریند
بنمایدش الفبا از بهر نام گلها   هر واژه‌ء بهاری زین دفتر آفریند
صد حالت دمیدن صد عالم وزیدن   در سبزه کارد او را درعنبر آفریند
در کام عشق بلبل او را ترانه سازد   در پیکر پرستو زو شهپر آفریند
پروانه اش بسازد شمعش کند گدازد   هم دل نماید او را هم دلبر آفریند
باغ شفق بسازد دشت فلق بسازد   از جلوه‌ء جمالش صد منظر آفریند
در قلب کوهساران در جان پاک باران   او را هم آبشاران هم شرشر آفریند
هم چشمه‌ء حیاتش در حلقه یی زانوار   هم خضر سازدش هم اسکندر آفریند
انهار سازد او را ابحار سازد او را   گنجی به سینه‌ء وی از گوهر آفریند
در بطن کوه کانش سازد کند نهانش   الماسش وزمرد سیم و زر افریند
صد آسمان آبی از خلقتش بریزد   اوج شکوه وی را زین برتر آفریند
بهر گرسنگان نان وز بهر مردگان جان   یعنی به هرکس اورا جان پرور آفریند
مرهم نماید او را بر زخمهای خونین   از بهر تلخ کامان زو شکر آفریند
دنیای خالی از غم پیدا کند ز روحش   هم بهر روح شادی زو پیکر افریند
در هرچه شکل زیبا درهرخجسته معنا   گه آشکاره او را گه مضمر افریند
شاید مگر چنین خواست دستان آفرینش   کو را از ین نکویان نیکوتر افریند

یعنی ز پای تا سر او را نه چیز دیگر
بل مادر آفریند بل مادر آفریند

به پیشگاه معلم

شادروان استاد خلیل الله خلیلی

کیست می دانی معلم؟ آن که نازد سروری
بر همایون نام وی در زیر چرخ چنبری
تا ابد آواره می گردید در صحرای جهل
خضر ره بین گر نکردی عقل ما را رهبری
علم، رخشان گوهری باشد بر اکلیل حیات
ارزش گوهر که داند؟ گر نباشد گوهری
گوهر اندیشه را از تیرگی بخشد نجات
گوهری داند کمال صنعت روشنگری
پایه وی از پدر والاتر آمد زانکه هست
ارتباط معنوی برتر ز ربط پیکری
ملک دانش ملک وی اما نه با تیغ و سپاه
عرش حکمت زان وی لیکن نه با انگشتری
از فروغش آسمان فضل تابان تا ابد
همچو تابان چرخ گردنده ز ماه و مشتری
لیک آواز ارسطو تا هنوز آید به گوش
از در هر مدرسه گر با تامل بگذری
این جهان یکسر دبستان است و ما شاگرد آن
هان تو تنها طفل را شاگرد مکتب نشمری
خود معلم نیز شاگرد است پیش روزگار
نو به نو درسی دهد ما را جهان گر بنگری
خرم آن آموزگاری کز فصول این کتاب
می کند ما را به تحقیق مطالب رهبری
آفرینش چون کتابی دان کز الفاظ وی است
قطره با این کوچکی، دریا به آن پهناوری
خرم آن آموزگاری کز فصول این کتاب
می کند ما را به تحقیق مطالب رهبری
چشم مارا می نمایدآشنا با حرف، حرف
زانکه ننوشتند اینجا هیچ حرفی سرسری
سرزمین ما مقام اوستادان بوده است
باز بین از بلخ بامی تا به اقصای هری
بر سنایی بین که برتر رفته در سیر معاد
با عروج معنوی، از پایگاه مشتری
بلخ بامی بوعلی دارد که قانونش هنوز
با اشارات شفا بخشا کند جان پروری
مولوی در خانقاه عشق شمعی برفروخت
کز فروغش مقتبس گردید شمس خاوری
شوکت جامی نگر کز نور رحمانی هنوز
می کند بر هفت اورنگ معارف قیصری
موج ها دارد چو دریا طبع خوشحال ختک
می نماید پیش طبع وی اباسین فرغری
نغمهٔ رحمن سرود ذوق می خواند به گوش
می کند همچو پدر مارا به عرفان رهبری
هست تعظیم معلم آیت عز و شرف
زان که باشد پایهٔ وی از پی پیغمبری
ای خوشا رهبر که در پیدا و پنهان پرورد
هم کمال بوعلی، هم اعتقاد بوذری
روز تجلیل معلم جشن ارباب دل است
ای خوشا این جشن دلکش ای خوشا این دلبری

برنامۀ سرشماری در افغانستان و دشواری های موجود

چگونه ممکن است از ولسوالی موسی قلعه هلمند و پنجوایی قندهار که همه روزه عملیات نظامی اجرا میشود و تلفات به بار می آورد، احصائیه دقیق بدست بیاید. بنابراین احتمال قوی وجود دارد که احصائیه بدست آمده از سرشماری درشرایط کنونی دقیق نخواهد بود

زیباکی

گفته می شود ادارۀ مرکزی احصائیه تدابیری مقدماتی را برای اجرای برنامه سرشماری نفوس ومسکن کشور که قرار است درماه اسد سال جاری به مرحله اجرا گذاشته شود، آغازکرده است. درحال حاضر کمیته یی متشکل از چندین نهاد دولتی به شمول ادارۀ مرکزی احصائیه، به ریاست احمدضیاء مسعود معاون اول ریئس جمهور، درمورد راه ها وبرنامه های اجرای برنامه سرشماری کامل نفوس ومسکن کار می کند.

اما گمانه زنی های وجود دارد که در شرایط کنونی که افغانستان با دشواری های فراوانی رو به روست، اجرای برنامه سرشماری دشوار به نظرمی رسد.

عبدالرحمان غفوری رئیس ادارۀ مرکزی احصائیه نیزهفته گذشته در یک نشست خبری گفت که ادارۀ مرکزی احصائیه تیم های را به زون های هشت

گانۀ افغانستان فرستاده است تا وضعیت را بررسی کنند و به گفته آقای غفوری تصمیم نهایی به اساس گزارش این تیم ها گرفته خواهد شد. ولی تا کنون به صورت رسمی مقامات مسؤول پیرامون تاخیر این مساله چیزی نگفته اند.

درهمین حال گزارش های در دست است که تیم های اعزامی ادارۀ مرکزی احصائیه نتوانسته اند به دلیل نا آرامی ها به برخی از ولایات جنوبی بروند.

اجرای برنامه سرشماری درشرایط کنونی به مشکلات زیادی رو به رواست،که می توان آن را چنین برجسته ساخت:

نبود امنیت: درحال حاضر دولت توانایی لازم تأمین امنیت در مراکز شهرها را ندارد، درمناطق جنوبی افغانستان چندین ولسوالی درکنترول مخالفان مسلح دولت قرار دارد ودرشماری هم جنگ میان واحد های امنیتی افغان وشورشیان متواتر به وقوع می پیوندد و در برخی از ولسوالی های ولایات شمال هم، حاکمیت مرکزی ضعیف به نظر می رسد. با توجه به این موارد چگونه ممکن است برنامه سرشماری دقیق نفوس و مسکن کشور موفقانه به انجام برسد. ممکن است برنامه سرشماری با تلفات وخسارات همراه باشد.

نتایج نادرست: درکشوری که هنوزهم بحث روی مساله اکثریت و اقلیت به قوت خود باقی است و این مساله به یکی از مسایل داغ روز مبدل شده است، پشتون ها تاکید دارند که آنها اکثریت را تشکیل می دهند اماگروه های ملی غیرپشتون این مسأله را نمی پذیرند. چگونه ممکن است از ولسوالی موسی قلعه هلمند و پنجوایی قندهار که همه روزه عملیات نظامی اجرا میشود و تلفات به بار می آورد، احصائیه دقیق بدست بیاید. بنابراین احتمال قوی وجود دارد که احصائیه بدست آمده از سرشماری درشرایط کنونی دقیق نخواهد بود. چنانکه در دور آزمایشی سرشماری همچو موارد اتفاق افتاده بود.

هزینه سنگین: انتقال سرشماران امکانات ووسایل موردنیاز برخی از ولسوالی های دورافتاده که راه های مواصلاتی ندارند و یا راه مواصلاتی شان در کنترول شورشیان است؛ انتقال اوراق دفاتر به مرکز بصورت مصون، پرداخت حقوق بالا برای سرشماران وکسانی که دراین برنامه شامل می شوند، بروز

درحال حاضر دولت توانایی لازم تأمین امنیت در مراکز شهرها را ندارد،درمناطق جنوبی افغانستان چندین ولسوالی درکنترول مخالفان مسلح دولت قرار دارد ودرشماری هم جنگ میان واحد های امنیتی افغان وشورشیان متواتر به وقوع می پیوندد و در برخی از ولسوالی های ولایات شمال هم، حاکمیت مرکزی ضعیف به نظر می رسد

حوادث احتمالی ، تبلغات رسانه یی برای آگاه سازی مردم همه وهمه به هزینه سنگین نیاز دارد ودر صورتی که از برنامه سرشماری نتایجی قناعت بخشی بدست نیاید این پول وامکانات بهیوده به مصرف خواهد رسید.

کمبود افراد تعلیم یافته: با آنکه گفته می شود، در اجرای برنامه سرشماری اکثرا آموزگاران مکاتب استخدام می شوند ولی این آموزگاران باید حد اقل برای دو الی سه ماه اساسات سرشماری را آموزش ببینند با اصطلاحات ومشخصات اوراق سرشماری پرسشنامه ها نحوه اجرای مصاحبه با رئیس خانوار، درج اطلاعات ارایه شده در اوراق وسایرمسایل آن آشنا شوند اگردولت در زمینه طرحی پیش بینی شده را به مرحله اجرا نگذارد. بسیار دشواراست که بدون مقدمه وارد اصل شده وبدون آموزش بتوانند وظیفه یک سرشمار اصولی را انجام دهند.ازسوی دیگر درافغانستان هنوزمناطقی وجود دارد که درآن مکتب موجود نیست، بنا براین دراین گونه مناطق دولت به مشکل کمبود افراد تعلیم یافته مواجه خواهدشد.

بی تجربگی مردم: درافغانستان سهل انگاری وکم بها دادن هر مساله به یک عرف تبدیل شده است. چنانکه در دو انتخابات گذشته دیده شد که تعدادی بدون دقت وتامل روی نام هرکس که زیر قلم شان برابر شد خط کشیدند که متاسفانه امروز ثمره آن بی دقتی شان را می چشند. به همین گونه در مورد سرشماری و اهمیت آن مردم هیچ اطلاعی ندارند وشاید سرشماری را نسبت به انتخابات کمتر اهمیت بدهند. درحالی که اگرقرار است درماه اسد امسال سرشماری صورت بگیرد درزمینه روشن گری تبلیغات وسیع انجام یافت.

تمام فواید و اهمیت این برنامه برای مردم فهمانده می شد و مردم درست درک می کردند و در اجرای آن سهم فعال می گرفتند. اما متاسفانه که تا حال چنین نشده است واگردرماه اسد امسال برنامه سرشماری اجرای شود، به ماه اسد فقط شصت روز باقی مانده است که دراین شصت روز اگر تبلیغات به هر پیمانه یی باشد بازهم موثریت صد در صد نخواهد داشت.

درهفته های قبل شماری از نمایندگان مردم در شورای ملی با برشمردن یک سلسله دشواری ها خواستار تعویق این برنامه شده بودند. اما با وجود همه این مشکلات گفته می شود که کمک کنندگان بین المللی براجرای برنامۀ سرشماری در وقت تعین شده تاکید می کنند.

اما سرشماری چه نفعی می تواند برای مردم افغانستان داشته باشد؟

سرشماری نفوس کشور را با تمام خصوصیات ونیازمندی که دارد مشخص می سازد وبرای دولت زمینه را فراهم می کند تا تمام برنامه های خود را مطابق آن طرح وبه مرحله اجرابگذارد.

جمع آوری آمار وارقام دقیق از می تواند برای دولت افغانستان کمک کند که دولت مطابق به آن برای رفع نیازمندی های موجود کشور اقدام کند.

همچنان با اجرای این برنامه تمام خصوصیات مردم افغانستان، آمار تعلیم یافتگان، بی سوادان و... مشخص می گردد. واین امر می تواند برای فراهم آوری زمینه تسهیلات که اگر دولت درصدد آن برآید کمک کند.

من با صراحت می خواهم اعلان کنم ...

ریاست جمهوری سخنرانی نمودند، استادربانی گفت من به صراحت اعلان می کنم که از این به بعد مجاهدین دنباله رو نخواهدبود، از این به بعدبه عنوان پرزه های کم ارزش درجریان سیاسی به نفع دیگران عمل نخواهند کرد، از این به بعد تصمیم می گیرند ونمی گذارند با سرنوشت کشورشان هرکسی بازی کند"

استاد ربانی درمورد انتخابات ریاست آیندۀ ریاست جمهوری کشورگفت: ما یک کاندیدای که وفاق ملی را تأمین کند مطرح می کنیم وجمعیت به تأمین صلح وثبات درکشور دلبستگی دارد.

استاد ربانی دربخشی از سخنانش به تأسیس جبهۀ ملی اشاره کرده افزدوند: ما یک جا با دیگر گروه ها وشخصیت ها به خاطر همبستگی ملی جبهۀ ملی را تأسیس نمودیم، غوغا برپا کردند وگفتند این ها کودتا می کنند به سفارت خانه ها اطلاع دادند که یک کودتای نظامی در راه است، حتا با دست پاچگی بخشی از قوت های نظامی را درمیدان هوایی کابل جا به جا کردند، جبهه یی که تا هنوز چنده کرایۀ دفتر خویش را تهیه می کند.

استاد ربانی به کارنامه ها ودست آوردهای فرهنگی جمعیت اشاره نموده افزود: درکتاب افغانستان در سه دهۀ اخیر نویسنده راجع به جمعیت نوشته شده است که نشرات جمعیت در دوران جهاد به ۴۸ جریده ونشریه میرسید، اما نشریات جمعیت بسیار بیشتر از این بود.

استاد ربانی از روند کنار زدن مجاهدین از ساختار قدرت انتقادنموده اظهارداشت: یقینا که مجاهدین درتمام این تحولات مختلف اگر درکابینه نداشتند درمیان ملت داشتند، اگر این ها به نام دایاگ، دی دی آر، ریفورم از ارگان های دولتی اخراج شدند وسلاح های شان جمع شد، ولی حضور مردمی شان قوی ترشد وشما می بینید دست آورده های برخی از فرماندهان و والیان که منسوب که به مجاهدین است، بسیار برجسته می باشد

استاد درمورد دیدگاه شماری از افراد درمورد مجاهدین گفت: هستند کسانی که فکرمی کنند مجاهدینی انسان های خشن، تفنگ سالار و جنگ سالار، هستندکه جز جنگ، کشتن وویرانی چیزی دیگری را نمی شناسند، این جز تهمت بیهوده وحرف هرزه یی بیش نیست.

استاد ربانی با برجسته کردن نقش جمعیت به عنوان محور اساسی وحدت ملی یاد کرد و به سخنان خویش چنین ادامه داد: در باب وحدت وهمبستکی ملی شما می دانید که جمعیت یقیننا به عنوان یک محور بود وهست وسایرمجاهدین هم البته به این قضیه سخت توجه داشتند، طوری که مراکز قدرتمند جمعیت درشمال افغانستان وجود داشت، درجنوب افغانستان، درشرق افغانستان، مراکز پرقدرتی در زابل، قندهار، ارزگان، هلمند، پکتیکا، پکتیا وکنرها مراکزپرقدرتی داشتیم.

استاد ربانی تأکید کرد که جمعیت اسلامی افغانستان به داشتن روابط خوب با تمام جهان علاقمند بود، وبرای رسیدن به این هدف از هیچ نوع تلاش دریغ نمی کرد، استاد افزود ما طرفدار مطرح کردن قضایای افغانستان به سطح جهان بودم.

متن کامل سخنرانی استاد ربانی درهمین شماره به نشر می رسد.

درهمایش یادشده ده ها تن از هوا داران جمعیت، چهره های سرشناس سیاسی کشور به شمول محمد یونس قانونی رئیس مجلس نمایندگان، مارشال محمدقسیم فهیم وزیردفاع پیشین، احمد ولی مسعودرئیس بنیاد احمدشاه مسعود و شماری ازاعضای مجلس نمایندگان شرکت کرده بودند. محفل که با گردانندگی آقای واقف حکیمی سخنگوی جمعیت اسلامی افغانستان برگزارشد با آیاتی روحبخش از کلام الله مجید توسط قاری محمودالله فیروز آغازگردید، قبل از سخنرانی استاد ربانی، آقای محمدنسیم فقیری منشی جمعیت اسلامی افغانستان در سخنانی بر فعالیت های این حزب درعرصه های مختلف در دوران جهاد ومقاومت اشاره کردند، آقای فقیری انتشار ده ها نشریه وحضور شمار زیادی از شاعران ونویسندگان درساختار این تنظیم را از دست آورد های فرهنگی جمعیت اسلامی افغانستان خواند و افزود نشریات جمعیت در زمان جهاد از آزادی واقعی برخورداربودند که حتا برپالیسی های خود جمعیت انتقاد می کردند. آقای فقیری افزود جمعیت در زمان جهاد در عرصۀ آموزش وپرورش نیز فعالیت های گسترده داشت.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضاي خداوند(ج) هدف ما

حضرت محمد(ص) رهبر ما

قرآن قانون ما

جهاد راه ما

شهادت در راه خدا از عالي ترين آرزوهاي ملت

دور هفتم – سال هفتم – شمارهٔ اول شنبه ٤ جوزا ١٣٨٧– ١٢ رمضان المبارک ١٤٢٦ – 24 - May 2008

حکومت پاکستان با طالبان مسلح ...

آنچنان که گفته می شود مقامات امریکایی و کشورهای اروپایی از مذاکرات و صلح حکومت با گروه های مسلح طرفدار القاعده و طالبان راضی نبوده، بدین باورند که این صلح فرصت سازماندهی بیشتر نیروهای طالبان را فراهم می سازد. اما حکومت انگلیس حمایت خویش را از مذاکرات حکومت پاکستان با تندروان مسلح پاکستانی ابراز نموده است، دیوید میلیباند وزیر امور خارجهٔ انگلیس گفته است، مبارزه با تندروی در مناطق قبایلی پاکستان و افغانستان راه حل نظامی ندارد. این مسأله اختلاف نظر میان واشنگتن و لندن را در مبارزه علیه القاعده و طالبان نشان می دهد که ممکن است گروه های تندرو از آن نفع برند.

برخی ها گفته اند، امریکا باید در صدد استفاده از این موافقتنامهٔ صلح باشد، امریکا چنین تجربه را در عراق به مرحلهٔ اجرا گذاشته و موفقیت های چشمگیری در مبارزه علیه القاعده به دست آورده است. امریکا از سال گذشته بدین سو در صدد مذاکره با گروه های مسلح سنی متحد القاعده شد و توانست با توافق با این گروه ها القاعده را منزوی نموده و ضعیف سازد. چنین تجربه یی می تواند در منزوی نمودن و تضعیف القاعدهِ در پاکستان و افغانستان مؤثر باشد، اما برخی دیگر مخصوصاً، حکومت افغانستان با این نظر مخالف بوده، بدین باورند که صلح با طالبان در پاکستان باعث افزایش حملات طالبان و القاعده بر مواضع حکومت افغانستان و نیروهای متحد خارجی خواهد شد. آنچه که در گذشته نیز اتفاق افتیده است.

آیا توافق اخیر حکومت پاکستان با طالبان پاکستان می تواند ادامه پیدا کند؟ اکثرا صاحب نظران باور دارند، این توافق بسیار شکننده بوده هیچ نوع ضمانت اجرایی ندارد. حکومت پاکستان از سال ۲۰۰۴ تا کنون سه بار با گروه های مسلح مخالف موافقتنامهٔ صلح امضا نموده و هر بار این صلح با شکست رو برو گردیده است.

گروه های مسلح در پاکستان نیز به علت نداشتن انسجام و یکپارچگی قادر به رعایت مواد این موافقتنامه نخواهند بود. در مناطق قبایل پاکستان، گروه های مسلح مختلف داخلی و خارجی و دسته های مسلح تبهکار موجودیت دارند که، بعضاً میان آنها جنگ های خونین رخ می دهد چنانچه در سال گذشته در وزیرستان یکی از گروه های مسلح ازبیکستان با گروه دیگر مسلح پاکستانی به جان هم افتیدند که در نتیجهٔ آن ده ها تن از دو طرف به قتل رسیدند.

همچنان در منطقهٔ قبایل نشین سران قبایل نیز تا اندازه یی دارای نفوذ و نیرو می باشند که می توانند در مواردی بر ضد گروه های طالبان داخل اقدام گردند.

بنا بر این فکر می شود این توافقنامه می تواند هر لحظه برهم بخورد و بار دیگر میان حکومت پاکستان و افراد مسلح جنگ و درگیری آغاز گردد.

گروه های لبنانی به توافق دست یافتند



بحران اخیر لبنان زمانی تشدید یافت که میان جنگجویان طرفدار حزب الله و گروه امل از یک سو و گروه سنی به رهبری سعد الحریری و گروه های متحد آن از سوی دیگر، برخوردهایی در بیروت و نقاط دیگر لبنان به وقوع پیوست و بر اثر آن ده ها تن از هر دو جانب به قتل رسیدند، رویدادهای یاد شده این نگرانی را به میان آورد که لبنان یک بار دیگر در گرداب جنگ داخلی فرو رفته است.

علت این بحران اقدام دولت لبنان مبنی به برچیدن دستگاه مخابراتی حزب الله و برکناری فرمانده پولیس در میدان هوایی بیروت دانسته می شود. حزب الله در برابر این اقدام حکومت شدیداً مخالفت نمود و آن را اعلان جنگ علیه خویش تلقی نمود.

خشم حزب الله بیشتر متوجه گروه سنی سعد الحریری گردید و دفاتر دستگاه تلویزیونی المستقبل و روزنامهٔ المستقبل مربوط این گروه را تخریب نمودند.

توافق گروه های درگیر در دوحه پایتخت قطر که به روز چهارشنبهٔ هفتهٔ گذشته صورت گرفت با استقبال گروه های لبنانی رو به رو شد.

سعد الحریری در پی امضای موافقتنامهٔ دوحه گفته است، این رخداد با آن که زخم های درد آوری به میان آورد، صفحهٔ جدیدی را در تاریخ لبنان گشود.

محمد رعد نمایندهٔ حزب الله در این مذاکرات، توافقات به دست آمده را برای تحکیم همزیستی لبنانیان و تقویت دولت مؤثر خواند.

تشکیل حکومت وحدت ملی از مواد اصلی موافقتنامهٔ دوحه می باشد. این حکومت مشتمل از ۳۰ وزارت بوده، ۱۶ کرسی مربوط به اکثریت، به رهبری گروه سنی سعد الحریری، ۱۱ کرسی به گروه مخالف حکومت یعنی حزب الله و گروه امل، و ۳ کرسی به رئیس جمهور واگذار گردیده است.

توافق روی تعیین جنرال میشال سلیمان به عنوان رئیس جمهور، موضوع دیگر توافقنامهٔ دوحه را تشکیل می دهد.

همچنان عدم استفاده از سلاح در بحران ها و منازعات داخلی از مواد دیگر این موافقتنامه می باشد.

برخی آگاهان بر این نظرند که بحران در لبنان، عوامل ریشه دار تاریخی، اجتماعی و فرهنگی داشته، نمی توان آن را با امضای یک موافقتنامه به صورت دایم حل نمود، چنانچه موافقتنامه های دیگر مانند موافقتنامه طایف نتوانست راه حل دوامداری به میان آورد. اختلافات دینی و مذهبی در لبنان، همیشه به عنوان عامل نیرومندی در منازعات آن کشور تأثیر گذار بوده است، مداخلهٔ کشورهای خارجی و وابستگی گروه های لبنان به این کشورها عامل اصلی دیگر بحران لبنان دانسته می شود.

در این باره شماری فکر می کنند قانون اساسی لبنان، اساس قابل اعتمادی برای تقسیم قدرت و مشارکت همهٔ گروه های قومی و سیاسی را در آن کشور به میان آورده و در زمان های مختلف بحران های آن کشور با اتکا به این قانون حل شده است.

حکومت پاکستان با طالبان مسلح ...

رسیدن مذاکرات غیر مستقیم، ابراز نموده است. اما وزیر خارجهٔ سوریه تأکید نموده است که، راهکار سوریه در مذاکره با اسرائیل صلح در برابر جولان بوده و بدون عقب نشینی، این مذاکره بی مفهوم خواهد بود. مقامات انقره گفته اند، هم اکنون نمایندگان دوکشوربصورت غیر مستقیم مشغول مذاکره می باشند.

خانم رایس وزیر خارجهٔ امریکا در یک کنفرانس مطبوعاتی با دیوید میلیباند وزیر خارجهٔ انگلیس از مذاکرات میان اسرائیل و فلسطین استقبال نموده گفته، امریکا از هر اقدامی در جهت ایجاد صلح در خاورمیانه حمایت می کند.

اگر چنانچه مذاکرات دو کشور به نتیجه برسد و اسرائیل از ارتفاعات جولان عقب نشینی نماید، یکی از ریشه های اصلی بحران در خاورمیانه حل می شود و راه برای حل مسألهٔ اصلی بحران یعنی حل مسألهٔ فلسطین هموار می گردد.

برخی صاحب نظران امیدواری چندان به موفقیت مذاکرات اسرائیل و سوریه ندارند. گمان می شود تنش در روابط امریکا و سوریه و نزدیکی ایران با سوریه، به عنوان موانع جدی در راه صلح اسرائیل و سوریه تأثیر گذاشته ممکن است این مذاکرات را با بن بست روبرو سازد. از جانب دیگر در داخل اسرائیل مخالفت های شدید در زمینهٔ عقب نشینی اسرائیل از جولان وجود دارد.

بزرگداشت از روز معلم

ثمر الدین ثامر

هر سال از سوم جوزا به نام « روز معلم » در کشورما، از معلمان بزرگداشت به عمل می آید. از مربیان تقدیر می شود، دسته های گُل و تحایف از جانب شاگردان نثار شان می گردد، تقدیرنامه برای برخی استادان از طرف وزارت معارف داده می شود. استادان با وجود کمی معاش و مشکل مسکن، خوشحال به نظر می رسند و به خود می بالند. و در ضمن در محافلی که خسروان ملک حضور داشته باشند، به نحوی رسیدگی به مشکلات شان را هم یاددهانی می کنند.

بدون شک، نقش معلم در جامعه، نقش انبیاء است. چون ارشاد پیامبر بزرگوار اسلام است که، «من معلم فرستاده شده ام.» معلم است که سیاهی جهل را از دل ها می زداید و زلال دانایی را در روان بشر جاری می سازد.

درنخستین آیات قرآن کریم که به پیغمبر اکرم صلی الله علیه وسلم نازل شد، ارشاد فرموده که، « بخوان، بخوان به نام پروردگارت که انسان را ازخون بسته آفرید، بخوان که پروردگارت کریم ترین است...»

خلیفهٔ چهارم اسلام حضرت علی کرم الله وجهه در وصف معلم و قدر و منزلت آن گفته اند : « آن ذاتی که انسان را توسط قلم آموزاند من علمنی حرفاً فهوه مولائی » هرکی حرفی به من بیاموزاند، مولای من است. حتی به تعبیری چنین ترجمه می کنند که، « مرا غلام خود گردانیده است کسی که حرفی به من آموختاند.»

این ارشاد، برای ما درسی است تا معلمان، موقف خویش را دریابند و تشخیص دهند که به کدام حد، وجود آن ها در سرنوشت یک ملت مؤثر است.

اما با دریغ و درد! امسال در اثر بلند رفتن قیمت ها در بازار و عدم کفایت معاش، حوادث ناگواری در میان جامعه آموزگاران واقع شد، تعدادی از معلمین دست به اعتصاب زدند، و تعدادی از شاگردان این مکاتب از درس و تعلیم فاصله گرفتند. یکی ازین مکاتب دست به مظاهره زد. و چند تن از معلمان به نام های مختلف به زندان رفتند.

رئیس جمهور سال گذشته طی پیامی، معلمان را معماران اینده خوانده، گفته بود. به هر اندازه که ما عزت و حرمت معلمان را داشته باشیم ، درخور آنند و می زیبد. اما رئیس جمهور بدون آینده نگری، ابراز خوش بینی کرده بودکه، معلمان با وجود این همه مشکلاتی که فرا راه ایشان قرار دارد، قابل قدر و توصیف اند. زیرا که در مقابل هرگونه دشواری، مکاتب و درس را رها نکردند.

وزیر معارف در نشست خبری روز مظاهرهٔ شاگردان لیسهٔ حبیبیه (۲۱ ثور) تعهد سپرد تا به زودی مشکل پرداخت حقوق آموزگاران را حل کند.

همچنان وزیر معارف از توزیع زمین برای معلمان خبر داده و گفته بود که ۱۱۰۰ نمره زمین رهایشی برای معلمان در کابل توزیع می شود. به گفتهٔ وزیر معارف، این برنامه در آینده نزدیک به ولایات نیز گسترش خواهدیافت.

با این همه وعده ها اعتصاب معلمان پایان نیافت و بالاخره،حکومت مجبورگردید معاش معلمان را (۱۳۰۰) افغانی اعتبار از اول جوزای سال روان، بلند بردند. اعتصاب معلمان اقلاً بزرگان را واداشت تا توجه ای ولو اندک، را بکنند. اما این که، این افزودی در بهبود وضعیت زندگی معلمان چه تأثیر می تواند به جا بگذارد محل بحث است

با توجه به نرخ تورم وصعود نرخ ها این مقدارپول افزایش یافته در درازمدت بی تأثیرشده وهیچ دردی را دوا نخواهد کرد.